

مقاله نوشتن :

مبانی ، اجزا و ساختار

محمد شلیله

شناختنامه

موضوع این مقاله^۱ تشریح مبانی ، اجزا و ساختار انواع نوشتار است که نتایج هرگونه تحقیق ، مطالعه و بررسی که در کار پاسخ به پرسشی ، وضع یک نظریه^۲ یا طرح یک اندیشه یا ایده^۳ نو ، و یا حتی انتخاب گزینه مناسبتر از میان چند گزینه محتمل باشد را در قالب «مقاله» عرضه کند ، و از طریق نشریات ادواری علمی ، پژوهشی ، حرفه‌ای و مانند آن ، یا به‌عنوان فصلی از یک کتاب انتشار یابد . یا آنکه به سفارش کارفرمایی یا به‌عنوان جزیی از برنامه تحصیلی و تکلیف درسی دانشگاهی (مانند پایان‌نامه) انجام گیرد و در نسخه‌های محدود تکثیر و توزیع گردد . بدین ترتیب مقاله حاضر حتی انواع گزارش تحقیق و بررسی از جمله گزارشهای مالی و مدیریت ، گزارشهای اقتصادی و مانند آن که حسابداران ، حسابرسان و متخصصان رشته‌های وابسته ، به سفارش کارفرمایان ، مشتریان و یا مدیران فراهم می‌آورند را نیز دربر می‌گیرد؛ به این دلیل که هم در انجام پژوهشهای مربوط و هم در تهیه و تنظیم گزارش نتایج حاصل ، از شیوه‌های کم‌وبیش یکسانی استفاده می‌شود . اما آن دسته از گزارشها که به موجب الزامات مقررات قانونی یا استانداردهای کار حرفه‌ای ، شکل و قالب خاصی برای تهیه و تنظیم و عرضه آنها مقرر گردیده است ، و به‌وسیله حسابداران و حسابرسان تهیه می‌شود ، از شمول بررسی این مقاله خارج است ، مانند: گزارش حسابرسی صورتهای مالی یا حسابرسی مالیاتی و مانند اینها .

در این مقاله نخست ویژگیهای «مقاله پژوهشی» در چارچوب مفاهیم پیشگفته و کارکردهای آن مورد بحث قرار می‌گیرد . پس از آن اجزا و ساختار کلی اینگونه‌ها مقاله بررسی می‌شود . محدوده بررسی قسمت اخیر ، مرحله‌ای از تدوین مقاله را دربرمی‌گیرد که با انتخاب «عنوان» آغاز و به «نتیجه‌گیری» می‌انجامد . اما مسائلی مانند نحوه تنظیم پی‌نوشت ، نمایه ، فهرست منابع یا کتابنامه و مانند اینها در این مقاله مدنظر قرار ندارد . در این مرحله از تدوین یک مقاله ، فرض براین است که عملیات اجرایی پژوهش انجام و پایان گرفته است ، یادداشتهای مستندات ، شواهد و اطلاعات مورد نیاز و پشتیبانی‌کننده نظریه مضمون مقاله براساس طرح ساختاریافته پژوهش گرد آمده است تا در این مرحله به صورت «مقاله» ای درخور عرضه به مخاطبان تعریف و پیش‌بینی شده درآید . یک هدف ما از بررسی این مرحله از تدوین مقاله ، عرضه پیشنهاداتی است در مورد نحوه برقرار کردن ارتباط شفاف ، رسا و موثر با مخاطب ، از نظر شیوه پردازش و پیوند یافته‌های تحقیق و شکل عرضه آن . در این راستا ، این بررسی به لحن مقاله هم به اختصار می‌پردازد ، اما به شیوه ادبی نگارش مقاله ، یا نقطه‌گذاری (سجاوندی) و مانند آن ، نه . همچنین نحوه

قراردادن تصویر، عکس و نمودار در این مقاله مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. اگرچه این ویژگیها نیز هر یک اهمیت چشمگیری در برقراری ارتباط موثر با خواننده دارد. هدف دیگر بررسی این مرحله، ارائه راهکارهایی است درباره نحوه تدوین هر یک از اجزای «مقاله»^۴ دربرگیرنده «عنوان»، «چکیده»، «مقدمه»، «متن» (پیکره اصلی مقاله)، «خلاصه» و «نتیجه‌گیری» و نحوه پیوند این اجزا با یکدیگر از نظر تکنیکی؛ تکنیک به این مفهوم که چه تمهیداتی لازم است تا نگارش یک ایده سامان گیرد (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱].

اگرچه هر یک از سرفصلهای این مقاله می‌تواند با تفصیل بیشتر نیز مورد بررسی قرار گیرد، اما در اینجا بیشتر به طرح رئوس کلی مطالب مربوط اکتفا شده است. با این حال مقاله حاضر در چهار قسمت عرضه می‌شود. موضوعهای مورد بررسی مقاله در این شماره عبارتند از: بحثی پیرامون تعریف‌ناپذیری مقاله، پیشینه تاریخی (مختصر) آن، واقعیت و ویژگیهای عرفی مقاله، اهمیت توجه به مخاطب، و در پایان، عرضه طرح مقدماتی تنظیم مقاله.

تعریف‌ناپذیری

تعریفی شناساننده و روشن‌گر از مقاله در دست نیست. در زبان فارسی حتی همان تفکیک و تمایز عرفی ناروشنی هم که در زبان انگلیسی در مورد انواع مقاله مطرح است وجود ندارد. مگر آنکه به سختی بتوان تمایزی ظاهری را بین آنچه «رساله» نامیده می‌شود با «مقاله» در برخی منابع استخراج کرد. در ادبیات زبان انگلیسی چهار صورت «مقاله» مطرح است که عبارتند از *essay*، *paper*، *article* و *research report*؛ که جملگی در زبان فارسی، اغلب، «مقاله» خوانده می‌شود. البته در اغلب فرهنگهای انگلیسی-فارسی علاوه بر «مقاله»، «رساله» و برخی «جستار» را هم در برابر *essay* قرار داده‌اند. اما معمولاً *essay* از *article* در زبان فارسی تفکیک نمی‌شود. در این مورد قائد (۱۳۸۰) [۲] معتقد است که شاید بتوان در برابر *essay* از معادل «مقاله شخصی» استفاده کرد. منظور وی از مقاله شخصی مقاله‌های عادی در مجله‌هاست که به آموزش می‌پردازد و با جانبداری و جهت‌گیری همراه است. او «پرداخت سرگرم‌کننده، برخورداری از فراز و فرود، دوری از استدلالهای انتزاعی، استفاده از مثال و روایت و به‌کارگیری زبان ادبی پرنقش و نگار اما بی‌تکلف را...» (قائد، ۱۳۸۰) [۲] از ویژگیهای *essay* می‌داند. وی همچنین معتقد است «مشخصه‌ای که *essay* را از دیگر انواع نوشته متمایز می‌کند گستردگی چشم‌انداز بحث و ارائه نظرات مختلف و حتی متضاد اما با سبک‌رویی و پرهیز از دست زدن به قضاوت نهایی است» (همان، پیشین). برخی نیز «مقاله (علمی)» یا «گزارش (علمی)» را در برابر *paper* پیشنهاد کرده‌اند. در زبان انگلیسی در حالی که به‌طور معمول *essay* نوشتاری تحلیلی-توصیفی را در نظر می‌آورد، *paper* در اغلب موارد به گزارش تحقیق دانشجویی و در همان حال به حاصل تحقیق علمی اطلاق می‌شود و *article* اغلب معرف مقاله‌هایی است که در مجلات غیر تخصصی و روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد؛ اگرچه اینگونه تفکیک کردن‌ها هیچگونه تمایز محتوایی را آشکار نمی‌سازد.

با اینکه در اغلب موارد «مقاله‌نویسی» مهارتی دانشگاهی ارزیابی می‌شود، بسیاری از اقدامات دولتها و برنامه‌ریزیهای بازرگانی و فعالیتهای حرفه‌ای نیز بر تحقیق متکی است. **گیبالدی** (Gibaldi, 2003)

[۳] می‌گوید، به سختی می‌توان حرفه‌ای را در نظر آورد که فعالیت‌هایش به ویژه در زمینه مشاوره‌های تخصصی بدون انجام کار پژوهشی امکان‌پذیر باشد؛ فعالیتی که طی آن اطلاعات گردآوری شده در موضوع‌های مشخص با اندیشه‌ها و ایده‌های سرچشمه گرفته از مبناهای نظری و تجربی پیوند داده می‌شود و نتیجه‌گیریه‌ها و رهنمودهای حرفه‌ای را پدید می‌آورد.

اگرچه کوشش‌های بسیاری انجام گرفته است تا الگوهای استاندارد برای تهیه مقاله عرضه شود و بسیاری از مراجع دانشگاهی و انتشاراتی معتبر در ایران و جهان، شیوه‌نامه‌هایی به این منظور فراهم آورده‌اند و بسیاری از نویسندگان، موسسات انتشاراتی و مراجع دانشگاهی خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند، اما هنوز شمار چشمگیری از نویسندگان پیروی از شیوه‌های عرفی را ترجیح می‌دهند. با این حال اغلب مقاله‌ها به‌ویژه مقاله‌های تحقیقی از اجزای همسان تشکیل می‌شود (Maltha, 1976) [۴]، اگرچه در اشکال گوناگون تدوین و عرضه می‌شود.

مختصری از پیشینه تاریخی

بابک احمدی بر آن است که ژرفای تاثیر، نقش و کارکرد «مقاله» به زمانهای دور برمی‌گردد. وی می‌گوید... «رساله‌های یونانی و لاتینی، و آن همه جزوه‌ها و مقاله‌های سده‌های میانه هنوز هم سایه خود را از سر اندیشه مدرن برنچیده‌اند» (قائد ۱۳۸۰) [۲]. از نظر احمدی «مقاله» در فرهنگ سده‌های میانه شکل رایج و مقبول بیان عقاید بوده است (همان، پیشین). قائد توضیح می‌دهد که: «در مغرب زمین، با انتشار **مقالات مونتنی** ^۵ (Montaigne)، نویسنده فرانسوی، در سال ۱۵۸۰ میلادی نوعی جدید از نوشتار ارائه شد. این قالب که در آن سبک و ساخت به اندازه محتوای اثر اهمیت داشت به مراتب بیش از قالبهای تنگ کلاسیک به نویسنده آزادی عمل می‌داد. با توجه به بدیع بودن این گونه نوشتار، مونتنی عنوان *essay* را که در زبان فرانسه به معنی سعی و تلاش است برای سلسله مقالاتش به کار برد. این عنوان همچنین برای این سبک نگارش به کار می‌رود» (همان، پیشین) وی می‌افزاید: «در زبان انگلیسی، عنوان *essay* را **فرانسیس بیکن** ^۶ (Francis Bacon) یک دهه پس از مونتنی به کار برد و بعدها با آثار مقاله‌نویسان بریتانیایی و امریکایی، این نوع نوشته به مرور به مرحله‌ای بسیار فراتر از تجربه‌های نخستین پیشگامان رسید. در قرن نوزدهم مقاله‌هایی منتشر شد که برخی از آنها در ردیف آثار کلاسیک جا گرفته‌اند. در قرن بیستم، مقاله حالت بیانی کمتر رسمی و بیشتر شخصی به خود گرفت و شکلی شد برای بازگو کردن تعاملات و بحث در چندوچون یک موضوع از چشم و قلم نویسنده» (همان، پیشین). قائد عقیده دارد که «امروز در ادبیات و زبان انگلیسی *essay* از جدی‌ترین رشته‌های نویسندگی است و مقاله، چه به‌عنوان نوشته‌ای برای مطبوعات و چه در کتاب، هم اعتبار و هم خوانندگان بسیار دارد» (همان، پیشین).

بررسی مختصر پیشینه مقاله‌نویسی در ایران آشکار می‌سازد که در ادبیات پس از مشروطه «مقاله» با نام «گفتار» شناخته می‌شده است که امروز برخی آن را «جستار» می‌نامند (همان، پیشین). قائد خاطر نشان می‌سازد که اوایل رشد روزنامه‌نگاری در ایران، کلمات «لایحه» و «مکتوب» نیز برای مقاله به کار می‌رفته است (همان،

پیشین). به نظر وی: «در ادبیات قدیم ایران، مقاله یا رساله به نوشتاری گفته می‌شد حاوی تکرار پاره‌ای نظرات متقدمان، اظهار نظرهایی از جانب نویسندگان به‌عنوان تأیید یا برآیند آن‌ها» (همان، پیشین). قائل «رساله» را در معنای عرفی آن، نوشته‌ای توصیف می‌کند که از روی تکلیف فراهم می‌شود؛ مانند رساله پایان‌نامه دانشگاه. از نظر قائل «در ایران امروز، کلمه مقاله به معنی ساده‌ترین و عام‌ترین نوع نوشته است: هرچه در یک کادر روزنامه یا در چند صفحه مجله بگنجد مقاله است، با هر سبک و سیاق و لحنی که باشد» (همان، پیشین). به نظر می‌رسد قائل در این مورد بیشتر به مقاله در مفهوم روزنامه‌نگاران آن نظر دارد. به نظر نگارنده در زمان حاضر در ایران «مقاله» معنا و مصداقی گسترده یافته است و اغلب گونه‌های نوشتار را از جمله و به‌ویژه آن گونه‌هایی را که نتایج انواع تحقیق، مطالعه و بررسی را که در کار پاسخ به پرسشی، وضع یک نظریه یا طرح یک اندیشه یا ایده‌نو و یا انتخاب گزینه مناسبتر از میان چند گزینه باشد را، به شرحی که در مقدمه آوردیم، دربرمی‌گیرد؛ حتی اگر نه به نام و یا با عنوان مقاله.

ویژگی‌های مقاله در عرف و واقعیت

پیدایش هر اثر، از جمله پیدایش هر مقاله پیامد نطفه بستن یک اندیشه به عنوان یک پدیده ذهنی است که نویسنده در روند تالیف و تنظیم به آن عینیت می‌بخشد (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱]. یک دستورعمل درسی دانشگاهی (۱۹۹۹) [۵] مقاله را نوشته‌ای توصیف کرده است که به وسیله آن نظریه یا ایده‌نویی به استناد شواهد، و برپایه استدلال‌هایی که درستی و اعتبار آن را تأیید یا تقویت می‌کند، در راستای متقاعد کردن خوانندگانش عرضه می‌شود و مدعی آن است که به درک نظریه‌ها و یافته‌های دیگران در زمینه موضوع مورد بررسی و بحث نائل آمده و سنجش (سبک و سنگین کردن) و ارزیابی پژوهش‌های آنان را از عهده برآمده است^۷. موضوع مقاله مبتنی بر موضوع بررسی یا تحقیق باید روشن، مستقیم، معیندار و در حیطه تخصص، دانش و تجربه نویسنده باشد (Hashimoto, et al., 1982) [۶]. از همین روست که گفته‌اند، هر مقاله‌ای میزان و عمق فهم نویسنده از موضوع را نیز آشکار می‌سازد؛ بر همین منوال ارزش‌های فردی و میزان بصیرت نویسنده را (Dees, 2000) [۷]. به این دلیل که نویسنده نقش موثر و فعالی در شکل دادن و ارزیابی اطلاعاتی که به آنها دست یافته دارد و هموست که این اطلاعات را تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌کند و قضاوت خویش را در مورد آنها استخراج و عرضه می‌کند (Ballenger, 1998a; Dees, 2000) [۷ و ۸]. **فردریک کروز** (Crews, 1997) در توصیفی که در گذشته از مقاله ارائه کرده بر دو ویژگی دیگر مقاله تأکید کرده است؛ برانگیزاننده بودن و منصفانه بودن. برخی مقاله را گزارش چگونگی آزمون و نتیجه‌گیری در مورد یک نظریه، ایده و اندیشه دانسته‌اند (Gibaldi, 2003)، یا گزارش چگونگی آزمون حقیقت چیزها (قائل، ۱۳۸۰). چنانکه در فرانسوی کهن نیز *essai* به معنای آزمون و تجربه کردن و گاه پژوهیدن بوده است (همان، پیشین). توصیف‌های دیگری از مقاله عرضه شده است؛ مانند اینکه مقاله گزارش نتیجه بررسی و مطالعه در مورد مشکلی است که هنوز توضیح داده نشده است (Maltha, 1976; Gibaldi, 2003) [۳ و ۴]. به عقیده **مالتا** (۱۹۷۶) ساختار هر مقاله (یا گزارش هرگونه بررسی و تحقیقی) دربرگیرنده تعریف مسئله یا مشکل و

پاسخ آن است. هشیموتو و دیگران (۱۹۸۲) گفته‌اند، مقاله گزارشی است مستند از نتیجه اندیشه انتقادی درباره موضوعی که قبلاً به وسیله دیگران بررسی شده است. در این مورد "نویسنده ممکن است دیدگاه و اعتقاد خویش را بیان کند، یا تنها به زیر و بالا کردن نظرات دیگران بپردازد" (قائد، ۱۳۸۰) [۲]. حری (۱۳۷۱) [۹] مقاله را حاصل جستجوی دقیق و سازمان یافته در یک یا چند موضوع مشخص و محدود توصیف کرده است که در چارچوبی منضبط و مطلوب ارائه می‌شود و کاری است مستقل و متفاوت با کارهای پیشین (حری، ۱۳۷۱) [۹]. احمدی (۱۳۸۰) [۲] مقاله را گزارشی تاویلی که بر پژوهش استوار است، تعریف کرده است. اما آنچه انواع مقاله را در واقعیت از هم متمایز می‌سازد به شیوه‌های متفاوتی بستگی دارد که نظریه یا ایده مضمون مقاله از طریق آن ارزیابی می‌شود. برای مثال ممکن است اثبات درستی، اعتبار و روایی یک نظریه یا ایده نو از طریق ارائه مجموعه‌ای اطلاعات، امکانپذیر گردد. در این صورت کالبد چنین مقاله‌ای مجموعه‌ای سازمان یافته از اطلاعات را تشکیل می‌دهد (Hashimoto, et al., 1982) [۶]. در حالی که در بسیاری موارد اثبات یک نظریه محتاج پژوهشی ژرف و گسترده دامنه است. حاصل این‌گونه پژوهشها مقاله تحقیقی خوانده می‌شود و از مقاله‌هایی که تنها عرضه کننده مجموعه‌ای از اطلاعات است تفکیک می‌شود. دیگران برخی ویژگیهای عام مقاله را واجد اهمیت خاص دانسته‌اند، مانند وسیله‌ای برای رساندن پیام (حری، ۱۳۷۱) [۹]. برخی اندیشمندان رهنمودهایی درباره مقاله نویسی عرضه کرده‌اند که گرچه عرفهای به نسبت ثابت و پایدار مقاله نیستند، اما از جنبه فلسفه مقاله نویسی به‌ویژه توجه به حقوق مخاطب از اهمیت بسیار برخوردار است. در همین زمینه از قول رساله^۹ نویس بزرگ، میشل دو مونتنی نقل کرده‌اند که: "رساله حرف نهایی را نمی‌زند و از داوری اقتدارگرایانه دوری می‌کند" (قائد، ۱۳۸۰) [۲]. به بیان دیگر نویسنده مقاله نمی‌تواند مدعی باشد که در زمینه موضوع مقاله اش حرفی جاودانه و تردیدناپذیر می‌زند. دستورعمل درسی یادشده در بالا نیز خاطر نشان ساخته است که بخش عمده هدف یک مقاله طرح پرسشها و موضوعهای جدید نیز هست. احمدی می‌گوید: "رساله‌های خوب (آنها که عمری با ما می‌مانند) پرگو نیستند و به پیروی از یک تدبیر یا دستور دیرپای ادبی شکل گرفته‌اند: خلاصه کن! کوتاه بگو!" (همان، پیشین). تاکید بر این است که اگر چه مقاله باید موضوعش را به روشنی و به صورتی قانع کننده توضیح دهد، با این حال تا حد امکان باید به اختصار و فشرده عرضه گردد (Maltha, 1976) [۴]. بالاخره گیبالدی (۲۰۰۳) [۳] در مفهومی نمادین مقاله نویسی را ماجراجویی روشنفکرانه که به کشف رازی می‌انجامد، توصیف کرده است.

موافق عرفهای رایج مقاله نویسی، چهار شیوه مقاله نویسی دربرگیرنده شیوه «توصیفی»^{۱۰}، «روایتگرانه»^{۱۱}، «شرح دهنده»^{۱۲} و «استدلالی»^{۱۳} (Norman, 1987) [۱۰] به طور نسبی از هم باز شناخته شده‌اند. به بیان دقیقتر، در تدوین هر مقاله ممکن است یکی از وجوه برشمرده بالا وجه غالب باشد، چرا که در ساختار اغلب مقاله‌ها این چهار شیوه به هم آمیخته‌اند. برای مثال در مقاله‌ای که موضوعش عرضه نظریه یا ایده‌ای نو است، به قاعده وجه استدلالی ساخت مقاله بر سایر وجوه غلبه دارد، در حالی که در مقاله‌ای که موضوع آن توضیح یک فرایند یا مکانیسم

- و برتری آن بر دیگر گزینه‌هاست، وجه توصیفی آن برتری خواهد داشت.
- مالتا (۱۹۷۶) [۴] جمع‌بندی سازمان‌یافته‌ای از ملاحظاتی که در تنظیم مقاله (گزارش هر گونه تحقیق و بررسی) باید رعایت شود ارائه کرده است. بنابه نظر او هر مقاله‌ای:
- باید حقیقت (واقعیت)^{۱۴} را بگوید. نباید القاکننده و جانبدارانه^{۱۵} باشد.
 - باید عینی، واقعی و دارای وجود خارجی^{۱۶} باشد. باید از ورود عناصر ذهنی، احساسات، حدس، شمع، پندارهای شهودی^{۱۷} و بی‌دلیل^{۱۸} که از میل و غریزه سرچشمه می‌گیرد، در مقاله پیشگیری کرد. البته عناصر ذهنی شخص پژوهشگر به هر حال از طریق فرضیه تحقیق به درون تحقیق راه می‌یابد.
 - باید مستند (مبتنی بر سند)^{۱۹} باشد، به این مفهوم که تمامی اطلاعات مورد نیاز را برای کسی که بخواهد همان تحقیق را تکرار کند داشته باشد.
 - باید تنها ضروریات را دربرگیرد. شاید این نکته با نکته قبلی تا اندازه‌ای مغایر به نظر برسد. در این موقعیت نویسنده مقاله (پژوهشگر) باید به ایجاد تناسب و انتخاب بین جامعیت^{۲۰} و ضرورت^{۲۱} دست بزند.
 - باید ساخت منطقی داشته باشد (دربخشهای بعدی مقاله به این موضوع پرداخته‌ایم).
 - باید استانداردهای لازم در مورد طرح تحقیق، نظم و ترتیب مطالب، نحوه عرضه نمودارها و جدولها و مانند آن را رعایت کند.

مخاطب

هر اثری از جمله مقاله به اعتبار مخاطبانش پدید می‌آید. هدف هر مقاله‌ای انتقال یک مجموعه اطلاعات (در مفهوم عام) به خواننده است که دربرگیرنده حقایقی است که در جریان بررسی و پژوهش از طریق مشاهدات بررسی‌کننده و پژوهشگر یا از طریق منابع مورد استفاده وی فراهم آمده است (Hashimoto et al., 1982) [۶]. از طرفی دیگر، هدف هر مقاله متقاعد کردن مخاطبان مقاله نسبت به دیدگاههای نویسنده در مورد موضوع مورد بحث مقاله است (Dees, 2000; Norman, 1987) [۷]؛ همچنین افزایش آگاهی عموم علاقه‌مندان به موضوع مورد بررسی (حری، ۱۳۷۱) [۹] در مقایسه با گذشته. از این رو در تنظیم مقاله مخاطب یا مخاطبان آن باید به نحو جدی مورد توجه، مورد شناسایی و دقت قرار گیرد. نویسنده در زمان تنظیم مقاله باید به این پرسشها پاسخ دهد که آیا مقاله برای آشنایی کسانی است که در مرحله نخستین آشنایی با موضوع مقاله‌اند یا برای تبادل نظر با کسانی است که آشنایی تخصصی با موضوع دارند. از هرسو که بنگریم نویسنده نیازمند شناخت مخاطب است. منتها شناخت مخاطب معنای عمیقی دارد (همان، پیشین). از نظر صلحجو "شناخت مخاطب یعنی شناخت نیازهای او، شناخت ابزار ارتباطی لازم برای او و شناخت میزان حوصله و بردباری او در مطالعه" (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱]، از جمله محدودیت زمان مخاطب که در دوران کنونی اغلب مردم با آن رویارویند. نویسنده باید بداند برای چه کسانی، در چه سنی و با چه معلومات و نیازهایی می‌نویسد. براین اساس مقاله را باید طوری نوشت که جای سؤال برای خواننده متعارف باقی نگذارد. به‌ویژه، عدم حضور مخاطب در ارتباط نوشتاری نویسنده را وادار می‌سازد که پیام خود را هر

چه دقیق تر و بی‌ابهام تر ارسال کند (همان، پیشین). قائل خاطر نشان ساخته است که پرهیز از خشکی و عرضه مقاله به شکلی که برای خواننده عام (در زمینه موضوع مورد بحث) نیز قابل درک باشد، به رغم جدی بودن موضوع مقاله‌ها و طرح نکات علمی و فنی در آنها، از خصوصیات مقاله است (قائد، ۱۳۸۰) [۲]. لحن مقاله نیز باید به همان صورت که در زبان گفتار مورد توجه قرار می‌گیرد با مخاطب و موقعیت آن تناسب داشته باشد. تصمیمگیری در این مورد نیز نیازمند آن است که مخاطب مقاله شناخته و تعریف شده باشد. از سوی دیگر لحن باید با موضوع مقاله نیز تناسب داشته باشد. اغلب توصیه می‌شود که لحنی متوسط در تنظیم مقاله پیش‌گرفته شود تا طیف گسترده‌تری از خوانندگان بتوانند از مقاله استفاده کنند، لحنی که در آن هم از کاربرد زبان خیلی خشک و رسمی مانند به کارگرفتن واژگان خاص و آراسته و مهجور یا جملات پیچیده پیشگیری شود، و هم از کاربرد سبک نوشتاری عامیانه به طرز افراطی پرهیز شود. اگرچه زبان نوشتار در مقایسه با زبان گفتار به طور طبیعی به رسمی تر بودن و غیر شخصی^{۲۲} بودن گرایش دارد.

مخاطب مقاله را به دو طریق می‌توان به موضوع بحث علاقه‌مند یا نزدیک کرد:

جاذبه اخلاقی، که از علاقه عمیق و دانش نویسنده در خصوص موضوع مورد بحث و مهارت او در شکافتن موضوع و شناخت مخاطب سرچشمه می‌گیرد، و جاذبه منطقی، که به میزان شواهدی که نویسنده مقاله در اشکال مختلف، از جمله از طریق عرضه آمار و اطلاعات کافی و قانع‌کننده عرضه می‌کند و شرح و تفسیر مستدل آنها و یا عرضه نقل قولهای مربوط از دیگر مولفان، بستگی دارد (Lester, 1998b) [۱۱].

طرح مقدماتی

هر نوشته‌ای، صرف‌نظر از موضوع آن، به طرح مقدماتی نیاز دارد (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱] و باید از برنامه‌ای منسجم و دقیق پیروی کند. باید از آغاز مشخص شود که چه اطلاعاتی ارائه خواهد شد، ترتیب آنها چیست و تا چه اندازه باید وارد جزئیات شد (حری، ۱۳۷۱) [۹]. البته در اغلب موارد طرح مقدماتی مقاله در جریان پیشرفت کار تغییر خواهد کرد؛ محدودتر یا مفصل‌تر خواهد شد (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱۰]. برخی معتقدند که طرح مقدماتی مقاله را باید پیش از شروع به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز مقاله، تهیه کرد. اگر چه انجام این کار در همه موارد عملی نیست، از جمله در مورد مقالاتی که قرار است حاصل تحقیقی کتابخانه‌ای را عرضه کند، مگر اینکه خواندن منابع مورد بررسی تا اندازه‌ای پیش رفته باشد (Hashimoto et al., 1982) [۶]. در این رویکرد، مقاله به‌عنوان فرآورده نهایی مطالعه و تحقیق، جزیی از طرح کلی تحقیق در نظر گرفته می‌شود. ضمن اینکه طرح مقدماتی مقاله به‌طور اصولی با طرح پژوهش و بررسی مربوط پیوند ذاتی دارد. طرح مقدماتی مقاله از این جهت اهمیت دارد که حدود و ثغور کار را مشخص می‌کند، وگرنه... "دامنه هر موضوع می‌تواند تا بی‌نهایت ادامه پیدا کند. چنین طرحی نویسنده را به مطالب لازم راهنمایی می‌کند و از افتادن در دام انبوهی از مطالب نا لازم پیشگیری می‌کند" (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱۱]. طرح مقدماتی مقاله از جنبه محتوایی، از یک سو طرح سازماندهی اطلاعات (در مفهوم کلی آن) و یا به بیان دیگر طرح ساماندهی محتوای مقاله دربرگیرنده ایده‌ها، حقایق و داده‌هاست (Hashimoto et al., 1982) [۶]، و از سویی دیگر ساختار یا طبقه‌بندی موضوعی به نسبت رایج (استاندارد) مقاله، از جمله «عنوان»، «چکیده»،

«مقدمه»، «روش‌شناسی»، «نتایج» (یافته‌ها، مقادیر، و آمار)، «بحث و بررسی» و «نتیجه‌گیری» را دربر می‌گیرد (همان، پیشین). در چارچوب طرح مقدماتی باید ساخت مقاله را به نحوی سامان داد که مدیریت آن (اجرای آن) شدنی باشد، نه چندان مقاله را به اجزای متعدد تقسیم کرد که ایجاد و پیوند آنها با سایر اجزا و با هم دشوار و پیچیده و یا ناممکن گردد و نه چندان ساخت مقاله را ساده و بسیط در نظر گرفت که همه چیز در هم فرو رود و تشخیص و تفکیک اجزای مقاله از یکدیگر ناممکن گردد. گفته شد که طرح مقدماتی مقاله می‌تواند براساس طرح تحقیق تنظیم گردد. در واقعیت نیز طرح مقدماتی مقاله مشابهت زیادی با طرح تحقیق دارد همچنانکه در هر مقاله یا گزارش هرگونه تحقیق یا بررسی نیز، پرسش یا فرضیه‌ای که موضوع تحقیق بوده تشریح می‌شود، روش تحقیق توضیح داده می‌شود و مشاهدات و یافته‌هایی که به قصد دستیابی به حقیقت در جریان تحقیق به دست آمده است، عرضه می‌شود، یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود و سرانجام قضاوت نهایی انجام و ارائه می‌گردد (Dees, 2000) [۷].

اینکه مقاله از چه اجزا یا سرفصلهایی تشکیل گردد، در طرح مقدماتی پیش‌بینی می‌شود. هر مقاله‌ای در ساده شده‌ترین صورت آن از «عنوان»^{۲۳}، «چکیده»^{۲۴}، «مقدمه»^{۲۵}، «روش»^{۲۶}، «نتیجه»^{۲۷}، «بحث»^{۲۸} تشکیل می‌شود که «طرح استاندارد»^{۲۹} نامیده می‌شود (Hashimoto, 1982; Ballenger, 1998a) [۶ و ۸]. منتها اینگونه سرفصلها یا طبقه‌بندیهای موضوعی الزاماً به این معنی نیست که عیناً در هر مقاله‌ای تکرار می‌شود. از جمله در برخی مقاله‌ها ممکن است جزئی با عنوان «چکیده» در نظر گرفته نشود و مضمونی تا اندازه‌ای مشابه چکیده اما با عنوان «خلاصه» در نظر گرفته شود. به پیشنهاد هشیموتو (۱۹۸۲) اجزا (سرفصلها)ی تشکیل‌دهنده یک مقاله به طور کلی به شرح زیر است:

- مقدمه یا بیانیه مقدمه^{۳۱} دربرگیرنده:
 - طرح مقوله‌هایی که مورد بحث قرار می‌گیرد،
 - طرح پرسش اصلی مقاله، و
 - عرضه نقل قولی از دیگر پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که در خصوص موضوع مورد بحث کار کرده‌اند، که می‌تواند بر استحکام بحث بیفزاید.
 - بدنه^{۳۱} شامل:
 - طرح کلی (تفصیلی) موضوع،
 - عرضه اطلاعات (به مفهوم عام) دقیق، روشن و مربوط به موضوع به عنوان شاهد مدعا،
 - تحلیل داده‌ها و تفسیر آنها از جهت:
 - ارتباط آنها با مضمون مقاله، و
 - آشکار ساختن اعتبار آنها.
- به‌طور کلی بدنه اصلی هر نوشته را اطلاعات (در مفهوم عام) تشکیل می‌دهد (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱].

• جمع‌بندی مشتمل بر:

- عرضه تفسیر نهایی، یا

- عرضه خلاصه دیدگاهها، و

- شرحی دال بر اینکه چرا موضوع مورد بحث دارای اعتبار است، به همراه عرضه پیشنهادات نویسنده.

مالتا (۱۹۷۶) [۴] پیشنهاد کرده است که طرح مقدماتی مقاله (گزارش تحقیق) را می‌توان در بسیاری از موارد بر طرح تحقیق استوار کرد. در این صورت اجزای مقاله به شرح زیر خواهد شد (اغلب اجزای برشمرده زیر در قسمتهای بعدی این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت) (Maltha, 1976) [۴]:

• عنوان مقاله، نام و عنوان نویسنده،

• چکیده مقاله به یک زبان بین‌المللی

• مقدمه، دربرگیرنده:

- تعریف مسئله و علت و انگیزه تحقیق و پیشینه آن،

- بررسی ادبیات مربوط به موضوع تحقیق، و

- طرح گستره (دامنه) بحث.

• بحث و بررسی شامل:

- تشریح فرضیه مقدماتی،

- توصیف مشاهدات و آزمونهای انجام شده،

- شرح روشی که برای تحقیق به کار رفته است،

- تفسیر مشاهدات و یافته‌ها،

- تحلیل و پردازش اطلاعات.

• نتیجه‌گیری

طبقه‌بندیهای برشمرده بالا تا اندازه‌های عرفی، قراردادی و پیشنهادی است و چارچوبی قطعی و تردیدناپذیر نیست و همان‌گونه که در عمل نیز می‌توان مشاهده کرد به‌طور کلی هر گروه از نویسندگان از مشی ویژه‌ای پیروی می‌کنند. با این حال یک مقاله ساختاریافته باید یک «آغاز»، یک «میان» و یک «پایان» داشته باشد که با موضوع کانونی مقاله در وحدت باشد (Norman, 1987) [۱۰]. هشیموتو (۱۹۸۲) [۶] پیشنهاد کرده است که هرگونه استراتژی را که برای تنظیم مقاله بکار می‌بریم باید شیوه‌ای را پیش گرفت که انعطاف‌پذیر هم باشد. در طرح مقدماتی باید طول مقاله و تعداد صفحات آن را نیز پیش‌بینی کرد (Maltha, 1976) [۴].

کلیات

یک مقاله کامل از سه قسمت «آغازین»^{۳۲}، «میانی»^{۳۳} و «پایانی»^{۳۴} تشکیل می‌شود، که ضرورت دارد با یکدیگر و با موضوع کانونی مقاله پیوند و وحدت داشته باشند و کل یگانه‌ای را پدید آورند. این کل یگانه، فقط مطالب

مرتبط با موضوع کانونی مقاله را دربرمی‌گیرد و مطالب غیرمرتبط با موضوع کانونی مقاله در آن جایی ندارد. نخستین وظیفه بخش آغازین هر مقاله طرح کلی نظریه‌ای است که در مقاله عرضه و بحث و بررسی می‌شود و وظیفه دیگر آن برانگیختن انگیزه و علاقه خوانندگان به مطالعه آن است. این بخش دربرگیرنده «عنوان»، «چکیده» و «مقدمه» است. نقش قسمت میانی بسط و توسعه نظریه مطرح شده در مقاله و عرضه شواهد و اطلاعات و استدلال‌های پشتیبانی‌کننده آن است. و سرانجام بخش پایانی، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحث و بررسی‌های انجام شده در مورد نظریه مورد بحث در مقاله اختصاص دارد که به طور معمول از طریق شرح دیگر بار نظریه با بیانی به نسبت متفاوت (که دلیل آن در قسمتهای بعدی مقاله بررسی می‌شود) به منظور حصول اطمینان از انتقال کامل و دقیق موضوع به مخاطب انجام می‌گیرد (Norman, 1987) [۱۰]، در حالی که خواننده در این مرحله از شواهد و اطلاعات و استدلال‌های نویسنده قبلاً آگاه شده است.

طراحی و انتخاب «عنوان»

طراحی و انتخاب «عنوان» برای مقاله یکی از مسایل کلیدی در تنظیم هر مقاله است. به طور معمول جز در مواردی که آوازه و اعتبار نویسنده‌ای مشهور ممکن است خوانندگان را به مطالعه یک مقاله برانگیزد، در اغلب موارد، عنوان مقاله‌ها مخاطبان بالقوه را به بررسی معطوف به تصمیم‌گیری در مورد یک مقاله، هدایت یا ترغیب می‌کند. در واقع ارتباط مخاطبان بالقوه با یک مقاله، نخست از طریق «عنوان» آن برقرار می‌شود. افزون بر این امکان جستجوی مقاله‌ها در اینترنت بر اهمیت و حساسیت عنوان مقاله افزوده است. به این دلایل، عنوان مقاله باید بتواند در کمال ایجاز، اختصار، فشردگی و روانی، علامت و نشانی موثر و نافذ از محتوا و نظریه موضوع مقاله به خواننده جستجوگر عرضه کند، و در همان حال به آسانی با مخاطبان بالقوه ارتباط برقرار کند. در همین راستا معنا و مفهومی که عنوان مقاله به استفاده‌کننده منتقل می‌نماید باید با «مسئله» مورد تحقیق و «نتیجه» آن همخوانی داشته باشد (Maltha, 1976) [۴]. رعایت این نکات در مورد طراحی و انتخاب عنوان مقاله ایجاب می‌کند که تصمیم‌گیری برسر عنوان مقاله پس از نوشتن و ویراستن آن انجام گیرد (Maltha, 1976; Lester, 1998b) [۱۱ و ۴]؛ یعنی زمانی که موضوعها و مفاهیم مورد استفاده مقاله به‌طور کامل و به‌دقت تعریف و توضیح داده شده است. منتها به این دلیل که عنوان مقاله در کنترل حدود و ثغور موضوعی مقاله در زمان تنظیم آن نقش موثری ایفا می‌نماید، بهتر است در آغاز، یک عنوان موقت برای مقاله در نظر گرفت و از نقش هدایتگر آن بهره‌مند شد و برای طراحی و انتخاب عنوان دقیق، اصلی و نهایی، تا پایان مقاله تامل کرد.

عنوان مقاله باید گیرا، زنده و برانگیزاننده، روشن‌گر و حاوی حداقل اطلاعات (در مفهوم عام اطلاعات که می‌تواند دربرگیرنده اطلاعات کیفی یا کمی باشد) در حد ظرفیت و گنجایش یک عنوان مختصر و فشرده باشد تا بتواند ارتباط به نسبت موثری بین «نظریه» مضمون مقاله و مخاطبان بالقوه آن برقرار کند (Norman, 1987) [۱۰]. عنوان مقاله می‌تواند با استفاده از واژه‌های کلیدی مقاله نیز طراحی و ساخته شود.

عنوان مقاله باید حتی‌المقدور کوتاه باشد. کوتاه بودن عنوان مقاله بویژه از این نظر اهمیت دارد که مقاله بتواند

از طریق راهنماهای اینترنتی به مخاطبان بالقوه معرفی شود. به طور معمول قرار گرفتن عنوان مقاله‌ها بر روی این‌گونه راهنماها نیازمند آن است که طول عنوان مقاله از ۱۵۰ کاراکتر کمتر باشد؛ اگرچه برخی بررسیها آشکار ساخته است که حتی عنوان مقاله با ۱۰۰ کاراکتر هم از نظر خوانندگان طولانی ارزیابی می‌شود. تنها استثنای به نسبت رایج و اغلب پذیرفته شده بر این قاعده عرفی، در مورد طول عنوان مقاله‌های تحقیقی دانشگاهی است (Lester, 1998b) [۱۱] که در مواردی عنوان آنها حتی از یک عبارت به نسبت طولانی تشکیل می‌شود. عنوان مقاله باید به آسانی از نظر و نگاه خواننده بگذرد، بدون ابهام و به سرعت معنی خود را آشکار سازد و درک آن نیازمند تامل ویژه نباشد. عنوان ناقص، غیردقیق، مبهم و گمراه‌کننده، صرفنظر از اینکه نمی‌تواند با جستجوکنندگان مقاله ارتباط برقرار کند، سبب می‌شود در بسیاری موارد در راهنماهای اینترنتی یا سیستمهای جمع‌آوری اسناد^{۳۵} در طبقه‌بندی دیگری جز طبقه‌بندی مربوط به موضوع آن قرار گیرد و دسترس به آن دشوار یا در مواردی ناممکن گردد.

در مورد مقالات تحقیقی که به عنوان فصلی از یک کتاب یا به عنوان مقاله‌ای مستقل در نشریات ادواری علمی و پژوهشی به چاپ می‌رسد، عنوان مقاله علاوه بر نام مولف یا مولفان آن، با عنوان شغلی و نشانی سازمانی آنان نیز همراه می‌شود تا علاقه‌مندانی که پرسش، نقد یا پیشنهادی در مورد مطالب مقاله دارند به آسانی بتوانند به مولف یا مولفان آن مراجعه کنند. در این موارد توصیه می‌شود پیشینه شغلی مولف یا مولفان نیز به اختصار در زیرنویس صفحه عنوان مقاله درج شود. قاعده عرفی در مورد مقاله‌هایی که بیش از یک مولف دارد این است که اسامی آنان به ترتیب سهم و میزان مشارکتشان در تحقیق یا برحسب حروف الفبا و یا برحسب ارشدیت منعکس گردد (Maltha, 1976) [۴]. البته در این مورد گاه کسی به عنوان مولف معرفی می‌شود که گزارش را تنظیم کرده است، بدون در نظر گرفتن اینکه چه کس یا کسانی تحقیق را انجام داده‌اند.

ویژگیها و طرز تنظیم «چکیده»

«چکیده» شرحی است فشرده، موجز و مختصر از موضوع مقاله، نظریه حاکم بر آن، رویکرد و هدف نویسنده به موضوع، به همراه مهمترین یافته‌های تحقیق مورد بررسی (Hashimoto, et al., 1982; Ballenger, 1998a) [۸ و ۶]. چکیده از نظر صورت و محتوا نزدیکی بسیاری با «نتیجه‌گیری» مقاله (که در ادامه این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد) دارد، با این تفاوت که کوتاهتر است و با ذکر هدف نویسنده همراه است. همگان، همیشه مقاله‌شان را با چکیده همراه نمی‌سازند. در بیشتر موارد در کتابهایی که دربرگیرنده مجموعه‌ای از مقالات پژوهشی است، یا در مقالاتی که در نشریات ادواری علمی به چاپ می‌رسد از چکیده استفاده می‌شود. منتها همراه با گسترش فزاینده کاربرد اینترنت، به منظور جستجو و معرفی مقاله‌ها، الگوی تنظیم چکیده، به عنوان مناسبترین معرف مختصر موضوع، محتوا و رویکرد مقالات بیش از پیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور معمول در چکیده از عرضه هرگونه رهنمود خودداری می‌شود. شماری از نویسندگان توصیه می‌کنند در

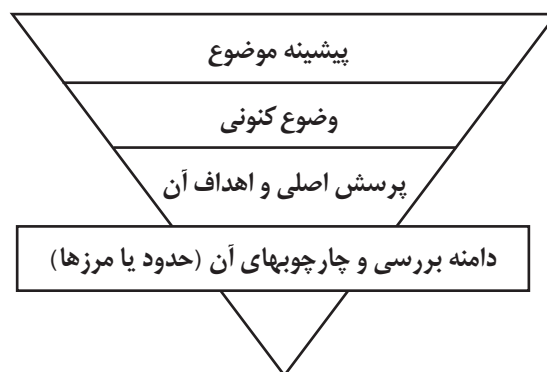
چکیده تاکید بیشتری بر عرضه یافته‌های مهمی که دربرگیرنده اطلاعات در مفهوم عام آن است انجام گیرد. در انتهای چکیده می‌توان فهرستی از واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی مقاله ارائه کرد. این واژه‌ها و اصطلاحات دربرگیرنده آنهایی است که در فرهنگهای مفهومی^{۳۶} و اصطلاحات مندرج در نمایه‌های^{۳۷} منابع مرتبط با موضوع مقاله آمده و شناخته شده است. امتیاز عرضه فهرست اصطلاحات و واژه‌های کلیدی این است که در جستجوی منابع از طریق اینترنت می‌توان از آنها برای دستیابی به مقاله‌ها و منابع مورد جستجو سود جست. از همین رو به چکیده مقالات، برگه ولادت مقاله نیز گفته‌اند، زیرا به وسیله آن می‌توان دیگران را از انتشار مقاله و موضوع آن آگاه کرد؛ از جمله آن را در معرض توجه پژوهشگران در رشته مربوط قرارداد و درعین حال امکان نقد و داوری گسترده مقاله را فراهم ساخت. در همین راستا توصیه می‌شود «چکیده» مقاله حتماً به زبان انگلیسی نیز تهیه و عرضه شود.

اهمیت یا حساسیت «چکیده» در آن است که ارتباط خواننده با محتوای مقاله در آغاز از این طریق برقرار می‌شود، در نتیجه نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم خوانندگان بالقوه به مطالعه مقاله دارد.

ویژگیها و طرز تنظیم «مقدمه»

در حالی که «چکیده» مشخصات کلی از مقاله به دست می‌دهد، «مقدمه» ساختار و پیکربندی مقاله و موقعیت موضوع مورد بررسی را در ادبیات رشته مربوط توضیح می‌دهد. در حالی که خواننده یا جوینده از طریق «چکیده» با موضوع کلی بحث و بررسی مقاله آشنا می‌شود، از طریق «مقدمه» که معرفی کاملی از مقاله به دست می‌دهد، به اطلاعات ضروری در مورد موضوع بحث و آگاهیهای مورد نیاز در مورد اخذ تصمیم نهایی برای مطالعه مقاله دست می‌یابد. از این نظر، «مقدمه» می‌تواند تاثیر مثبت یا منفی قاطع و تعیین‌کننده بر تصمیم خواننده در مورد مطالعه مقاله داشته باشد (Robertson, 1992) [۱۲]. در واقع مقدمه می‌تواند از طریق معرفی موضوعهای اصلی مقاله، از جمله «بیانیه نظریه» (که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد)، مشخص سازد که در حوزه علائق کدام گروه از خوانندگان قرار می‌گیرد (Dees, 2000) [۷].

ساختار «مقدمه» و اجزای آن را برخی به صورت قیفی به شکل زیر نمایش داده‌اند:



بیانیه نظریه و دلایل عام

برگرفته از (Hashimoto et al., 1982 and Robertson, 1992) [۱۲ و ۶].

«پیشینه موضوع» در نمودار بالا بیانگر نتیجه بررسی نویسنده است در زمینه مباحث در جریان و نظریه‌های عرضه شده درباره موضوع مقاله، از طریق مرور منابع و ادبیات مربوط. پیشینه موضوع به طور معمول به صورت توصیفی، روایتگرانه و گزارشی عرضه می‌شود. در طرح «موضوع کانونی» مقاله بر مرکز توجه مقاله، اهمیت، فایده آن، و بر انگیزه تحقیق انجام گرفته تاکید می‌شود، و اینکه موضوع مقاله چرا و چگونه مورد توجه قرار گرفته است. موضوع مقاله در مقدمه باید روشن، شفاف و به دقت تعریف شود و در صورت ضرورت می‌توان آن را به صورتها و با عبارتهای گوناگون توضیح داد تا با مطالعه آن ابهامی برای خواننده باقی نماند. در مقدمه باید توضیح داده شود «پرسش اصلی» و «اهداف» آن کدام است و «دامنه بررسی و چارچوب آن (حدومرزهای بررسی)» چیست. و سرانجام «بیانیه نظریه» پاسخی است به پرسش اصلی مقاله و فرض بر این است که به طور مشخص و کامل مورد قبول نویسنده مقاله قرار دارد. یا در واقع ایده‌ای است که نویسنده علاقه‌مند به طرح و اثبات آن است و قرار است اعتبار آن را از طریق عرضه شواهد، تجزیه و تحلیل و استدلال پشتیبانی کند. بیانیه نظریه جزء اصلی هر مقاله «نظری»^{۳۹} است (Lester, 1998b) [۱۱] و باید با دلایل پشتیبانی کننده مربوط همراه باشد (حری، ۱۳۷۱) (Hashimoto et al., 1982; Robertson, 1992; Dees, 2000; Maltha, 1976) [۴، ۶، ۷، ۹، ۱۲]. بیانیه نظریه خلاصه‌ای است از آنچه که نویسنده تصمیم دارد به تفصیل در متن توضیح دهد و باید قادر باشد توجه خوانندگان را به سمت موضوع مقاله جلب کند (Lester, 1998b) [۱۱]. همچنین باید آشکار سازد نویسنده موضوع را چگونه پروراند است، از چه جنبه‌ای در بحث مشارکت کرده است و «نظریه پردازی»^{۴۰} اش بر چه اساس و اسلوبی استوار است. همچنین از طریق بیانیه نظریه باید روشن ساخت که نویسنده از نظریات مخالف نظریه خود در خصوص موضوع بحث آگاه است (Hashimoto et al., 1982) [۶].

نقش دیگر بیانیه نظریه این است که موضوع بحث و دامنه آن را کنترل می‌کند و به نویسنده در مورد تمرکز بحث روی موضوع اصلی یاری می‌رساند، به مقاله در جزئیات نظم و یکپارچگی می‌بخشد و آن را در جهت پیش بینی شده هدایت می‌کند (Lester, 1998b) [۱۱]. محتوای بیانیه نظریه باید با «نتیجه‌گیری»^{۴۱} مقاله همخوانی داشته باشد.

لستر پیشنهاد کرده است تناسب، دقت و کفایت محتوای بیانیه نظریه از طریق پاسخ به پرسشهای زیر سنجیده شود. (همان، پیشین):

- آیا موضوع تحقیق به روشنی توضیح داده شده است؟
- آیا فایده مقاله و آثار آن معلوم شده است؟
- آیا معلوم است چه چیز نو یا متفاوتی به خواننده عرضه شده است؟
- اگر نویسنده گرایش نو یا رویکرد جدیدی به موضوع دارد، آیا به روشنی توضیح داده است؟
- آیا روشن است چه راه‌حلی برای مسئله مورد تحقیق عرضه می‌کند؟

• آیا نظریه نویسنده مقاله به طور دقیق توضیح داده شده است؟

متن بیانیه نظریه باید تا حد امکان کوتاه، و نحوه توضیح مطالب آن مستقیم، بدون ابهام بوده و سبکی گزارشی و روایتگرانه داشته باشد. مناسب است بیانیه نظریه تا آنجا که امکان دارد زودتر مطرح گردد تا سمتگیری مقاله را هرچه سریعتر بر خواننده معلوم گرداند.

نحوه گردآوری اطلاعات و راه و روشهای گردآوری اطلاعات (متدولوژی) و شیوه استنتاج را در مقدمه باید توضیح داد، تا خواننده اطمینان یابد که پژوهش به روالی محکم و سنجیده انجام شده است. همچنین محدودیتهای و دشواریهای کار تحقیق و بررسی که محقق با آن رویاروی بوده و بر انجام و فرجام تحقیق تاثیر قابل ملاحظه داشته باید در مقدمه توضیح داده شود (حری، ۱۳۷۱) [۹].

اغلب توصیه می شود یافته های تعیین کننده کمی و کیفی به همراه مفهومی اصطلاحات کلیدی مقاله که می تواند نقش موثری در ترغیب خواننده به مطالعه مقاله داشته باشد با حداکثر اختصار در مقدمه عرضه و توضیح داده شود.

اگر موضوع مورد بررسی مقاله و نظریه مورد بحث آن پیش از این مورد توجه یا بررسی پژوهشگرانی که در زمینه موضوع تحقیق و مقاله نامورترند قرار گرفته است، مناسب است از طریق نقل قول از آنان در راستای اخذ حمایت و پشتیبانی در خصوص نظریه، یافته ها و راه حل های مقاله بهره گرفت. منتها در مقدمه به هیچ وجه نباید وارد بحث شد. در مقدمه فقط موضوعهای مشخص توضیح داده می شود، آنها در حدی که خواننده را از کلیات و چارچوب های مقاله آگاه گرداند (Ballenger, 1998 a) [۸]. در مقدمه مناسبتر است بیشتر از واژه های کلیدی مضمون مقاله و واژه ها، اصطلاحات و عبارتهای سرفصل های مقاله استفاده کرد تا بر یکپارچگی متن مقاله و بر تعمیق درک و ارتباط آن با خوانندگان افزود و کار مطالعه آن را آسانتر ساخت.

در پایان مقدمه می توان از کسانی که به محقق و نویسنده در کارش یاری داده اند سپاسگزاری نمود (همان، پیشین).

قاعده معینی در مورد طول مقدمه نیست. منتها همگان تاکید دارند مقدمه تا حد امکان کوتاه باشد، مشروط بر اینکه آگاهی های مورد نیاز مخاطبان بالقوه را برای تصمیم گیری نهایی در مورد مطالعه و بررسی مقاله با صرف حداقل زمان در اختیار آنان قرار دهد (Dees, 2000) [۷] و در عین حال خواننده از طریق مطالعه آن بتواند به ارتباط موضوع مقاله با علائق و انتظاراتش پی ببرد.

برای حصول اطمینان از کامل بودن و کفایت مقدمه مقاله، دست کم باید آگاهی های زیر در مورد موضوع مقاله، پیشینه موضوع و مسئله ای که در چارچوب موضوع مقاله مورد بررسی قرار گرفته عرضه شود:

موضوع: طرح دقیق موضوع مشخص بحث، همراه با تعریف و محدوده آن.

پیشینه: عرضه آگاهیها و اطلاعات مهم تاریخی و خطوط کلی بررسیها، یافتهها و نظریه های دیگران که قبلاً درباره موضوع مورد بررسی مطالعه کرده اند؛ به همراه چکیده ای از چند منبع معتبر در خصوص موضوع کانونی

مسئله: تعریف مسئله مورد تحقیق در چارچوب موضوع کانونی مقاله و طرح ویژگیها و پیچیدگیهای آن .

کارکردهای متن

”متن پیکره اصلی نوشته تحقیقی است“ (حری، ۱۳۷۱) [۹] و باید پاسخ قانع‌کننده‌ای برای پرسش اصلی تحقیق (مقاله) عرضه کند (Robertson, 1992) [۱۲]، نظریه موضوع تحقیق را به روشنی، با وضوح و صراحت توضیح دهد و به یاری تحلیل‌های هوشمندانه و عمیق بر روی واقعیتها، نظریه‌های دیگران و شواهد و یافته‌های مربوط و مرتبط با موضوع مورد بررسی، اعتبار نظریه مضمون مقاله را آشکار سازد (Norman, 1987) [۱۰]. اهمیت این موضوع از آنجاست که هدف اصلی هر مقاله (متن) توضیح و عرضه سازمان یافته نظریه مضمون آن است و بسط و پیشرفت متن مقاله از این طریق امکانپذیر می‌گردد. رسالت متن (مقاله) توضیح صرف عقاید نویسنده نیست، بلکه وظیفه آن عرضه قضاوتی مستدل درباره موضوع تحقیق و نظریه مربوط به آن است به منظور قرار گرفتن در معرض درک و داوری خوانندگان. کارکرد اصلی متن همچنان این نیست که خواننده را متقاعد سازد بیانیه‌ها و گزارشهایی که در متن در مورد نظریه مورد بحث مطرح شده است صادق‌اند، بلکه کارکرد مهمتر آن این است که خواننده را متقاعدگرداند بیانیه‌ها و گزاره‌های عرضه شده «مسئله»‌اند و درخور توجه، برای اندیشیدن و پژوهش و پیگیری (همان، پیشین).

پیش‌نیازها و فرایند تنظیم متن

پیش از ورود به مرحله تنظیم متن، باید اطمینان داشت که درک مقتضی و بسنده از مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده به این منظور حاصل است و تصویر (ذهنی)، طرح، نظر و رای روشنی نزد نویسنده در مورد نظریه مضمون مقاله پدید آمده است (همان پیشین)، همچنین حصول اطمینان از اینکه مدعای نویسنده دارای اعتبار، محکم و منطقی است و نویسنده آماده است بحث و بررسیهای پیش‌بینی شده را در چارچوبی منطقی پیش برد و شواهد فراهم آمده نیز از قابلیت و کفایت پشتیبانی از بحث و بررسیها برخوردارند. آگاهی عمیق و دقیق از دیدگاهها و نظریه‌های دیگران درباره موضوع مورد بحث از دیگر پیش‌نیازهای تنظیم متن مقاله است. در این مرحله همچنین ضرورت دارد مروری بر یادداشتهایی که برای تنظیم متن فراهم آمده است انجام گیرد و از کفایت و پیوند و ارتباط منطقی آنها با موضوع مقاله و نظریه و با یکدیگر و از نبود تضاد میان آنها اطمینان حاصل گردد. مناسبتر است که در این مرحله هرگونه کاستی در هر یک از موارد برشمرده بالا برطرف گردد (Dees, 2000) [۷].

فرایند تنظیم متن (بدنه) سه مرحله تنظیم «پیش‌نویس»، «تنظیم نهایی» و «بازنویسی» (دو مرحله اخیر در بخشهای بعدی این مقاله در شماره‌های آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت) را دربر می‌گیرد. از این میان تهیه پیش‌نویس مهمترین و در عین حال وقتگیرترین مرحله تنظیم متن مقاله است؛ که دربرگیرنده فعالیت‌های خواندن، اندیشیدن، برنامه‌ریزی و سازماندهی مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده و یادداشتهای راستای بحث و بررسی

نظریه مقاله است (Norman, 1987) [۱۰] و وظیفه آن بسط سازمان یافته نظریه مضمون مقاله است که هسته اصلی بحث را تشکیل می‌دهد و برقرار کردن پیوند و ارتباط منطقی میان مطالب، داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده از طریق تجزیه و تحلیل‌های منطقی. درخور ذکر است که تا زمانی که نظریه مضمون مقاله به صورت بندی منطقی و محکمی، در حدی که خود نویسنده نسبت به استحکام آن متقاعد شده باشد، و تا زمانی که شواهد پشتیبانی‌کننده سازمان نیافته باشد، تنظیم متن نهایی (در مرحله پیش از بازنگری)، امکان‌پذیر نیست. پیشنهاد نویسندگان به این مرحله از تنظیم متن را هموار می‌سازد (همان، پیشین). مناسبتر است که پیش‌نویس متن (مقاله) را به عنوان نوشته مقدماتی به رای و نظر دیگران واگذاشت تا از کم و کاستیها و امتیازات مقاله پیش از تنظیم نهایی و انتشار آن آگاه شد.

ساخت و صورت بندی اجزای متن

ساخت متن منسجم، مستدل، معنیدار و روشن‌گر بر بنیاد رعایت یک رشته قواعد غالباً تجربی و عرفی شکل می‌گیرد. البته این چگونگی به میزان قابل ملاحظه‌ای از ماهیت موضوع متن نیز تاثیر می‌پذیرد. براین اساس برای تنظیم متنی که وجه غالب آن توصیفی است در مقایسه با متنی که وجه تحلیلی و استدلالی در آن غالب است از قواعد یکسانی استفاده نمی‌شود. اگر متن نیازمند مقایسه و مقابله داده‌ها، اطلاعات و شواهد گردآوری شده است، و در پی توضیح همسانیها و ناهمسانیهاست، در این‌گونه موارد نخست داده‌ها و اطلاعات و شواهد مربوط باید همجنس و هم‌مقیاس گردند (Hashimoto et al., 1982) [۶]. جایی که متن به بررسی روابط علت و معلولی می‌پردازد، علت و معلولهای متعدد مورد بررسی باید به دقت تفکیک گردد و برای هر مقوله علت و معلول، بر حسب ماهیت آنها عنوانی مشخص و منحصر به فرد تعیین نمود. هشیموتو در این زمینه مثال می‌زند: "اگر موضوع بحث شما ناپایداری سیاسی در کشور بولیوی است که در طول ۱۵۵ سال استقلال ۱۸۹ کودتا در آن انجام گرفته است، باید بر مقوله‌هایی که علت این ناپایداری بوده است متمرکز شوید؛ از جمله تاریخ سیاسی بولیوی، ساختار اقتصادی آن، اختلافات قومی در جمعیت این کشور، مناسبات این کشور با سایر کشورها و تعیین درجه اهمیت هر یک از آنها؛ علت (عامل)های موثرتر را باید آشکار ساخت و به روشنی توضیح داد که این‌گونه عوامل به چه ترتیب، چگونه و از چه راههایی بر اوضاع سیاسی بولیوی تاثیر می‌گذارد" (همان پیشین). طرح موضوعات در متن همچنین محتاج رعایت ترتیب و توالی است که بر اساس اهمیتی که طرح هر مطلب دارد، شکل می‌گیرد، یا "باید با مطالب مهمتر آغاز کرد و به تدریج به مطالب کم‌اهمیت‌تر پرداخت، یا ترتیب و تقدم زمانی را ملاک قرار داد که انتخاب هر یک از این شیوه‌ها به ماهیت موضوع مربوط می‌شود" (حری، ۱۳۷۱) (Hashimoto et al., 1982) [۶ و ۹].

متن باید طبقه بندی گردد. برای مثال اگر موضوع آن بحث و بررسی ایدئولوژی سیاسی است می‌توان متن و بحث و بررسیهای مربوط به آن را به قسمتهای مختلف کمونیسم، سوسیالیسم، توتالیتراریسم، فاشیسم، آنارشیسم و لیبرالیسم طبقه بندی کرد (Hashimoto et al., 1982) [۶]. آشکار است امکان پذیر شدن این‌گونه طبقه بندیها باید در طرح مقدماتی (رجوع کنید به قسمت اول این مقاله) پیش بینی شده باشد و تنها در این مرحله در صورت ضرورت

برخی بازنگریها در آن انجام گیرد.

متن از اجزای متعددی تشکیل می‌شود که برحسب ویژگیهای هر متن، از اندازه آن گرفته تا تنوع موضوعی یا طیف مخاطبان آن تغییر می‌کند. اجزای مهم متن در برگیرنده «سرفصل»، «بند (پاراگراف)» و «جمله»، در زیر توضیح داده شده‌اند:

سرفصل: متن برحسب تنوع موضوعی آن به سرفصلهای متعددی تقسیم می‌شود؛ سرفصلهایی که در طرح مقدماتی (مورد بحث قسمت اول مقاله حاضر) در نظر گرفته شده‌اند. تعیین سرفصلها از نظر تفکیک موضوعهای مورد بحث در مقاله و پیشگیری از آشفتگی متن دارای اهمیت بسیار است. به این خاطر توصیه می‌شود تا زمانی که سرفصلها تعیین نشده‌اند از اقدام به تنظیم متن خودداری شود (Dees, 2000, [7]). هر سرفصل تعدادی «بند (پاراگراف)» را در برمی‌گیرد.

بند (پاراگراف): بند توضیح یک مفهوم (موضوع) یگانه در متن را برعهده دارد (صلحجو، ۱۳۶۸)، (Norman, 1987; Dees, 2000) [۱۰ و ۱۷] و از تعدادی جمله که هر یک یا هر گروه از آنها به کار بسط یک ایده می‌آید تشکیل می‌شود. خواننده با ورود به بند (پاراگراف) جدید باید احساس کند که به مرحله دیگری از پیشرفت (بسط موضوع) مقاله رسیده است. «هر بند (پاراگراف) باید توضیح دهد و تحلیل و پشتیبانی کند از ایده‌ی موضوع آن، نه اینکه صرفاً اطلاعات توی هم رفته تحقیق را عرضه کند» (Lester, 1998) [۱۱]. بند (پاراگراف) در این مفهوم «واحد اطلاعاتی است که پیرامون اندیشه خاص، که به آن اندیشه اصلی می‌گویند شکل می‌گیرد و باید مطمئن شد هر بند و هر جمله از آن، با اندیشه اصلی پژوهش مربوط است. بند مطلوب بندی است که خواننده بتواند از طریق ساخت و گستره آن، این اندیشه اصلی را به درستی و روشنی بشناسد. اندیشه اصلی در واقع فشرده تمام مطالب بند (پاراگراف) است. به عبارت دیگر، مطلبی که در چارچوب این اندیشه اصلی جایی نداشته باشد، نمی‌تواند متعلق به آن بند (پاراگراف) باشد؛ از سوی دیگر، آنچه به این چارچوب تعلق می‌یابد، نباید ناگفته رها شود» (همان پیشین). به بیان دیگر «در هر بند (پاراگراف) حرف تازه یا ایده خاصی مطرح می‌شود که هویت و یکپارچگی آن با حرفی که در پاراگراف قبل زده می‌شود نمایان است و ذهن به راحتی می‌تواند مرز بین آن را حس کند» (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱]. ضمن اینکه هر بند (پاراگراف) باید با بند بعدی پیوند منطقی داشته باشد، به نحوی که سرانجام آغاز و پایان مقاله به هم برسد (Norman, 1987) [۱۰]. «هر بند باید به یک موضوع - و تنها به یک موضوع - بپردازد» (حری، ۱۳۷۱) [۹]. بند (پاراگراف) ساختی مشابه متن دارد (Norman, 1987) [۱۰]، ممکن است به مقایسه اجزا و عناصر یک پدیده، به بیان روابط علت و معلولی، یا به توصیف گام به گام یک رویداد و نظایر آن بپردازد. منتها باید نوعی توالی منطقی بین اجزای بند حاکم باشد (حری، ۱۳۷۱) [۹]. برای حفظ توالی بند (پاراگراف) سه شیوه بکار می‌رود. یکی روشی که در آن حرکت اندیشه از عام به خاص است؛ بدین ترتیب که نخست اندیشه اصلی بیان می‌شود، آنگاه بقیه بند (پاراگراف) به مثابه شواهد و مصادیق آن تلقی می‌گردد (روش

قیاسی). یا آنکه بند (پاراگراف) با بیان و توصیف اجزا و عناصر آغاز و ادامه می‌یابد تا به اندیشه اصلی برسد (روش استقرایی). ممکن است نوع استدلال ایجاب کند که هر دو روش به صورت یکجا در بندی واحد به کار رود (روش ترکیبی) (همان، پیشین). در واقع بند (پاراگراف) جای عرضه شواهد مورد نیاز استدلالی است که متن را به نتیجه‌ای که در واقع اندیشه اصلی بند است می‌رساند. هر بند باید ساختی یکپارچه و یگانه، اما از نظر موضوعی هم‌پیوند با کل مقاله داشته باشد (Norman, 1987) [۱۰].

باید مراقب طول بند (پاراگراف) بود، به‌ویژه از تکرار مطالب در بند (پاراگراف)‌های متعدد احتراز کرد. "طول بند (پاراگراف) باید آن قدر باشد که مطلبی واحد به طور جامع و مانع در آن بیان شود" (حری، ۱۳۷۱) [۹]. جمله: گفته شد هر بند (پاراگراف)ی از تعدادی جمله تشکیل می‌شود. "هر جمله از بند باید پاره‌ای اطلاعاتی به گستره آن بیفزاید تا اینکه اندیشه اصلی کاملاً تبیین شود" (همان پیشین). "هرگاه اندیشه اصلی (در بند) در جمله‌ای واحد بیان شود آن جمله را «جمله اصلی» می‌خوانند. این جمله ممکن است در آغاز، میان یا پایان بند بیاید. جمله اصلی را باید تا حد امکان در آغاز بند بیان کرد. در چنین وضعی هم برای نویسنده و هم برای خواننده راهنمایی مفید خواهد بود؛ نویسنده به سهولت خواهد دانست که چه اطلاعاتی باید در آن بند بیاید و چه اطلاعاتی زاید شمرده می‌شود. خواننده نیز به آسانی در خواهد یافت که موضوع بند درباره چیست. سایر جمله‌های بند را که به تشریح و بازگشودن اندیشه جمله اصلی می‌پردازند جملات پشتیبان می‌خوانند". "گاه اندیشه اصلی در یک جمله بیان نمی‌شود، بنابراین، بند دارای جمله اصلی نیست، بلکه اندیشه اصلی به‌طور ضمنی بیان می‌شود" (همان پیشین). به‌طور معمول اغلب بند (پاراگراف)ها با جمله‌ای که موضوع بند را به صراحت و روشنی و استحکام آشکار می‌سازد، آغاز می‌شود تا ابهامی در خصوص اصل موضوع بند برای خواننده پدید نیاید؛ یعنی موضوعی که قرار است در آن بند (پاراگراف) بسط داده شود. جمله آخر هر بند نیز در پی بسط موضوع در طول بند، باید جمله آغاز بند را تایید و اعتبار موضوع آن را در ذهن خواننده تقویت کند.

از میان جمله‌هایی که هر بند و در مجموع مقاله را تشکیل می‌دهد، جمله یا جمله‌هایی که بیانیه نظریه (رجوع کنید به بخش دوم این مقاله) به وسیله آنها عرضه می‌شود دارای اهمیت بسیار است و مهمترین بخش یک مقاله است. دستورعمل درسی دانشگاهی یادشده در بخش‌های پیشین این مقاله تاکید دارد که تا زمانی که متن بیانیه نظریه مقاله (متن) تنظیم نشده باشد، مقاله در کلیت آن شکل نمی‌گیرد. از دیدگاه این دستورعمل این جزء از متن است که نشان می‌دهد کل مقاله برچه مبنایی استوار است (Clement, 1999) [۱۳].

تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) مقاله

در مرحله تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) یادداشت‌های فراهم آمده در راستای پشتیبانی از بسط و اثبات نظریه مضمون مقاله، به طرز سیستماتیک، منطقی و متقاعدکننده به هم پیوند داده می‌شود و هر مطلبی که ارتباط سیستماتیک و منطقی با نظریه مضمون مقاله ندارد در جهت پیشگیری از فروپاشی متن باید حذف گردد (-Rob)

ertson, 1992) [۱۲]. در انجام این کار باید همواره مراقب ارتباط منطقی اجزای متن و بیانیه نظریه بود، در غیراین صورت خواننده متن را نامنسجم خواهد یافت. البته بیانیه نظریه در مقاله‌های طولانی ممکن است به اجزای متعددی تقسیم شود. در این حالت هر بخش از بیانیه نظریه ممکن است در سرفصل جداگانه‌ای از مقاله جای گیرد (Hashimoto et al., 1982) [۶]. در حالیکه طرح هر ایده (موضوع)ی در بدنه مقاله باید به وسیله شواهدی از واقعیتها، داده‌ها، اطلاعات و نظریه دیگران درخصوص موضوع مقاله پشتیبانی شود، باید با تجزیه و تحلیل و تفسیر نویسنده (پژوهشگر) پیرامون موضوع اصلی و بیانیه نظریه نیز همراه گردد (Dees, 2000) [۷]. به بیان دیگر در این قسمت تفسیر نتایج تحقیق و بررسی در پیوند با یافته‌های دیگران عرضه می‌گردد. منتها هیچگاه موضوعی را که خود نویسنده در مورد آن قانع نشده نباید مورد بحث قرار داد، در غیر این صورت مقاله مناسبی از کار در نخواهد آمد.

در این قسمت شرح تحقیق دربرگیرنده چگونگی انجام آزمایشها، تجربه‌ها و جستجوگریها، گردآوری داده‌ها و بررسی در منابع گوناگون و متدها (روشها)ی که در کار تحقیق بکار گرفته شده نیز عرضه می‌شود و یافته‌های تحقیق که اغلب به صورت داده‌های عددی است ارائه می‌گردد. به بیان ساده‌تر در این قسمت توضیح داده می‌شود چه کارهایی، چرا و چگونه انجام شده است، از کدام منابع استفاده شده است و نتایج حاصل کدام است و به چه ترتیب پاسخ پرسش اصلی تحقیق بدست آمده است (Maltha, 1976) [۴]. البته برخی معتقدند که در قسمت بحث و بررسی، «روشهای تحقیق» باید به تفصیل تشریح گردد و توضیح داده شود، در حالی که برخی دیگر عقیده دارند با توضیح روشهای تحقیق در مقدمه دیگر نیازی نیست که در بدنه مقاله و بخش بحث و بررسی به آن پرداخته شود. به هر حال چنانچه محقق و نویسنده در اجرای تحقیق و بررسی خویش به روش جدیدی دست یافته است، توضیح آن باید در حدی باشد که پژوهشگران دیگری که علاقه‌مند به بهره‌گیری از آنند، بر بنیاد توضیحات مقاله بتوانند آن را بکار گیرند و با استفاده از روشهای پیشنهادی به همان نتیجه برسند.

درخور ذکر است که هر نام، مفهوم و اصطلاح ناآشنا در متن باید به اندازه کافی توضیح داده شود که خواننده بتواند به آسانی بحث مقاله را دنبال کند.

طرز نوشتن (نگارش) متن

آغاز به نوشتن کردن یا تنظیم مدخل بحث کاری تا اندازه‌ای پیچیده است؛ همان‌گونه که در سخن گفتن و هنگامه آغاز سخن بویژه طرح و عرضه «جمله اول». برخی معتقدند که نخستین جمله هر مقاله می‌تواند تاثیر درخور توجهی بر تصور خواننده از مقاله بگذارد. این کار به‌ویژه در هموارکردن همراهی خواننده‌ی مقاله و جلب توجه او اهمیت دارد. نرمن (۱۹۸۷) [۱۰] می‌گوید تنظیم نخستین جمله پیچیده‌ترین کار در مقاله‌نویسی است و پیشنهاد می‌کند، مقاله را می‌توان با طرح یک واقعه تاریخی برجسته، یک تجربه مرتبط با موضوع مقاله، تعریف یک اصطلاح کلیدی و مانند آن آغاز کرد، یا آنکه با شرح موضوع کلی مقاله آغاز کرد و به تدریج به طرح موضوع اصلی مقاله پرداخت. می‌توان در آغاز مقاله به طرح دیدگاه کسانی که نویسنده با نظریات آنها موافقت ندارد و نتایج بررسی او نادرستی نظریه‌های

آنان یا کاستیهای آنها را آشکار کرده است، پرداخت. به هر حال هر روشی را که در این باره برگزینیم، باید با نظریه کانونی مقاله پیوند داشته باشد.

به طور کلی کار نگارش (نوشتن) حتی برای کسانی که در کار نوشتن چیره دستند نیز از دشوارترین کارهای مربوط به پدید آوردن مقاله است. عمل نوشتن البته با تنظیم پیش نویس آغاز می شود. در این مرحله باید نوشتن را بدون تعلل و تردید آغاز کرد. باید به خاطر داشت که وظیفه پیش نویس، کشف و افشای برداشتهای و یافته هاست، به صورت آزاد و به دور از هرگونه محدودیتی. ویراستن متن کاری است که باید در مراحل بعدی از جمله در مرحله بازنگری و بازنویسی انجام گیرد. وظیفه نویسنده در مرحله تنظیم پیش نویس فقط انتقال یادداشتهای، واژه ها و کلمات بر روی کاغذ است. نویسنده نباید در این مرحله خود را مهار یا کنترل نماید. می تواند هر آنچه را آنگونه که می داند و احساس می کند بر کاغذ بیاورد. در این مرحله باید گذاشت جریان نوشتن راه خودش را پیدا کند و این جریان را باید با احتیاط هدایت کرد، اما نباید آن را کنترل (مهار) نمود. بنابه تجربه، یادداشتهای و دست نویسه های پژوهشگر و نویسنده به صورت خودبه خودی امکان بسط و توسعه مقاله را تا رسیدن به سطح جدیدی از دانش ارتقا می دهد (Lester, 1998) [۱۱]. "اگر در این مرحله نویسنده هر لحظه از آنچه در ذهنش (درخصوص موضوع مقاله) می گذرد ثبت نکند (تا در اولین فرصت آنها را منظم سازد)، بخش عمده ای از بهترین ثمرات فکری خود را از دست خواهد داد" (حری، ۱۳۷۱) [۹]. در این مرحله نویسنده باید ایده هایش را در اسرع وقت به محض حصول در ذهن بر کاغذ بیاورد. باید آن را با هر واژه ای بنویسد و متوقف نشود، که واژه دقیقتری به فکرش برسد. می توان برای واژه مناسبتر یک جای خالی پیشبینی کرد. اشکالات و ابهامات کم اهمیت را در این مرحله باید نادیده گرفت؛ حتی برخی اشکالات فاحش را. در این مرحله تنها باید گذاشت ایده کلی شکل بگیرد (Norman, 1987) [۱۰]. منتها در همان حال، هرگاه یادداشتی برای بحث بی ارتباط به نظر رسید، لزومی ندارد به صرف اینکه برای گردآوری زحمت کشیده شده است در نوشته جای داد. این گونه یادداشتهای را می توان به کناری نهاد و اگر در مباحث بعدی نیز کاربردی نداشت، از مجموعه یادداشتهای تحقیق خارج ساخت (حری، ۱۳۷۱) [۹]. در جریان تنظیم پیش نویس فقط باید به مطالب فکر کرد، نه به دستور زبان (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱]. تا آنکه در جریان بازنگری و بازنویسی متن و پس از آن در مرحله ویرایش کاستیهای واژگانی و دستوری آن را برطرف ساخت. منتها در هر حال نویسنده باید آنچه را که خود برداشت کرده است، بنویسد و نه آنچه را که فکر می کند دیگران خواستار شنیدن آن هستند. به علاوه در همین حال باید مراقب پیوند مطالب در هر بند نیز بود (Lester, 1998) [۱۱] و "... توجه داشت که هر بخش از نوشته با اندیشه اصلی تحقیق مرتبط باشد..." (حری، ۱۳۷۱) [۹].

می توان پیش نویس مقاله را به صورت یکجا از آغاز تا پایان تنظیم کرد، و کوشید تا نکات عمده با یکدیگر ارتباط سیستماتیک بیابند یا می توان از هر جای موضوع مقاله آغاز کرد و آن قسمت را به پایان رسانید و موضوع بعدی را دست گرفت و در پایان هر موضوع را بر حسب طرح تنظیم مقاله در جای خود قرار داد. چنانکه پیش از این نیز اشاره شد به طور معمول یادداشتهای دقیق و مرتبط با موضوع نویسنده، نقش موثری در حفظ تمرکز نویسنده به موضوع ایفا می کند (Lester, 1998) [۱۱].

متن (مقاله) تحقیقی باید مبتنی بر واقعیت باشد؛ یعنی به تشریح هر آنچه که در واقعیت روی می دهد و مورد بررسی

و آزمون قرار گرفته و نتایج حاصل از آن پیردازد، شواهد کافی ارائه کند و به تجزیه و تحلیل آنها با یکدیگر بپردازد. یک نویسنده واقع (عینیت) گرا در هنگام نوشتن باید از موضوع فاصله بگیرد، و تا حد امکان سعی کند در جریان نوشتن نسبت به واقعیتها و یافته‌ها بی طرف بماند. چنین رویکردی مانع از این نمی‌شود که نویسنده احساسات انسانی و حساسیتها و علاقه و شور و هیجان خود را پنهان نماید اما نباید بروز این احساسات بر تمرکز نویسنده در طرح واقعیتها آسیب برساند. لستر می‌گوید کاملاً عینی‌گرا بودن، حتی در تنظیم مقاله‌های تحقیقی نیز بعید و غیرمحتمل است (همان، پیشین). با این حال باید به نحو جدی از ذهنی‌گرایی افراطی در قبول فرضیهایی از قبیل اینکه تحقیق مورد گزارش از هر حیث خدشه‌ناپذیر و تردیدناپذیر است و از اصرار ورزیدن بر نظر خویش، یا طرح مسایل به صورت دوپهلو جداً احتراز کرد. در این زمینه پیش گرفتن اعتدال و بیطرفی می‌تواند هم از ورود هیجان افراطی و هم از دخالت عینیت‌گرایی و سواسی پیشگیری نماید (همان، پیشین).

نویسنده باید نسبت به منابعی که از آنها بهره برده است با دقت و احترام برخورد کند. نام نویسندگان و نام منابع را با دقت و به نحو مقتضی ذکر نماید، و در مواردی که مطلبی را عیناً از دیگران برگرفته است، باید نام نویسنده همراه با ذکر شماره صفحه‌هایی که نقل قول از آنجا استخراج شده را مشخص نماید (همان، پیشین).

کارکردها و ویژگیهای نتیجه‌گیری

کارکرد اصلی «نتیجه‌گیری»، عرضه منسجم، مستدل، فشرده، صریح و مستقیم یافته‌های تحقیق موضوع مقاله (Ballenger, 1998; Maltha, 1976) [۴ و ۸] است؛ به نحوی که با مطالعه آن هرگونه تردید و ابهام احتمالی خواننده در مورد درک بحث و بررسیهای مقاله و نظریات نویسنده از میان برداشته شود (Dees, 2000) [۷]. در این قسمت باید بین نکات کانونی مقاله و یافته‌های آن با نظمی منطقی پیوند برقرار گردد (Hashimoto et al., 1982) [۶]. نتیجه‌گیری باید تفسیر روشنی از نظریه مقاله، مصادیق آن و پاسخ پرسش اصلی به دست دهد (Dees, 2000; Hashimoto, 1982) [۶ و ۷]؛ آشکار سازد که نظریه مقاله معنیدار و دارای اعتبار است (Hashimoto, 1982) [۶]؛ درجه تعمیم‌پذیری آن را توضیح دهد (Norman, 1987) [۱۰] و سرانجام چشم‌انداز بحث آینده را بگشاید (Dees, 2000) [۷]. در حالی که خواننده از طریق مقدمه مقاله به محدوده مشخص موضوع بحث هدایت می‌شود، در نتیجه‌گیری باید به چشم‌انداز گسترده‌تری ارجاع داده شود (Dees, 2000; Ballenger, 1998) [۷ و ۸]. با این حال در قسمت نتیجه‌گیری نباید بحث جدیدی آغاز شود، یا موضوع دیگری جز آنچه در طول مقاله ارائه شده مطرح گردد، و یا اطلاعات و شواهد جدیدی عرضه شود؛ که در غیر این صورت موجبات گمراهی و سردرگمی خواننده را فراهم خواهد ساخت (صلحجو، ۱۳۶۸) (Robertson, 1992; Dees, 2000)؛ [۱۲ و ۹ و ۷ و ۴]. در صورتی که نتیجه‌گیری با دقت و مهارت تنظیم گردد، از طریق استحکام بخشیدن به مطالب عرضه شده قبلی، بر کیفیت مقاله می‌افزاید (Ballenger, 1998) [۸]. بالنجر (۱۹۹۸) [۸] توصیه کرده است اگر نتیجه‌گیری مقاله‌ای به این حد از تاثیر نرسید، مناسبتر است مجدداً تنظیم گردد؛ منتها بر پایه همان اطلاعات و شواهد عرضه شده در قسمتهای قبلی مقاله؛ چرا که خواننده باید با مطالعه متن (بدنه) مقاله

به کلیه اطلاعاتی که مبنای نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد رسیده باشد و از طریق منطق حاکم بر تجزیه و تحلیل همان اطلاعات به درک نتیجه‌گیری نایل شود (حری، ۱۳۷۱) [۹]. برخی نتیجه‌گیری را گزارشی از یافته‌های مقاله که با تصریح و تأکید مستدل بر نظریه نهایی (Dees, 2000) [۷] همراه می‌شود تعریف کرده‌اند. نظریه مقاله در نتیجه‌گیری باید با واژه‌ها و طرز بیان متفاوت (Norman, 1987; Ballenger, 1998) [۸ و ۱۰] و حسب مورد همراه با اطلاعات و آمار و ارقام ارایه گردد تا چنانچه عرضه آن در متن ابهام داشته، در نتیجه‌گیری ابهام آن برطرف گردد (Hashimoto, 1982) [۶]. در غیر این صورت از کارایی نتیجه‌گیری کاسته خواهد شد. در حالی که بحث مقاله بیشتر با «توضیح» و «توصیف» پیش می‌رود، نتیجه‌گیری حاصل استنتاج منطقی نویسنده از شواهد مربوط به موضوع مورد بررسی است که پیشتر در متن مقاله عرضه شده است. به نظر مالتا (۱۹۷۶) [۴] استنتاج نویسنده در این زمینه با استنباط **شهودی**^{۴۳} همراه می‌شود؛ خلاقانه و مبتکرانه است؛ از عمق دانش نویسنده بر می‌آید و جلوه‌هایی از طبع انسانی پژوهشگر و سرشت علمی اوست (Maltha, 1976) [۴]. از نظر دیس (۲۰۰۰) [۷] نتیجه‌گیری حاصل اندیشیدن دیگر بار نویسنده به متن است که در این کار باید به دو موضوع توجه نماید؛ یکی تأکید و تصریح مجدد بر **بیانیه نظریه**^{۴۴}، بدون این که آن را کلمه به کلمه تکرار نماید؛ دیگر آنکه به نحو کامل توضیح دهد مقاله چه گفته است (Dees, 2000) [۷].

مناسب است نتیجه‌گیری با طرح پرسش اصلی و هدف بررسی موضوع، به فشرده‌ترین صورت (در یک عبارت کوتاه) آغاز گردد (Robertson, 1992) [۱۲] و با آخرین جمله یا عبارت نتیجه‌گیری که باید قویترین بخش آن باشد، نتیجه‌گیری را به مقدمه مقاله برساند. در جهت تاثیرگذاری بیشتر، محتوای این عبارت می‌تواند در قالب یک حکایت، یک نقل قول یا اندیشه‌ای از دیگران که از اصلیت‌ترین نکته نتیجه‌گیری مقاله پشتیبانی کند ارایه شود (Ballenger, 1998) [۸].

پیشنهاد‌های پژوهشگر نیز به‌طور معمول در بخش نتیجه‌گیری عرضه می‌شود. از همین رو بسیاری موارد عنوان «نتیجه‌گیری و پیشنهاد» به آن داده می‌شود (Dees, 2000) [۷]. پیشنهاد‌های مقاله باید از نتیجه‌گیری آن برخاسته باشد و دربرگیرنده چاره‌جویی در مورد رفع کمبودها و از میان برداشتن کاستیها و نقاط ضعفی باشد که در متن به آنها اشاره شده است، و تحقق آنها در شرایط متعارف با تمهیداتی قابل حصول و امکانپذیر باشد. در این زمینه باید از عرضه پیشنهاد‌های غیرعملی - هرچند وسوسه‌انگیز و مطبوع - پرهیز کرد (حری، ۱۳۷۱) [۹]. همچنین در نتیجه‌گیری باید مواردی از پرسش اصلی که بدون پاسخ مانده به‌روشنی توضیح و به پژوهش‌های آینده ارجاع داده شود (Robertson, 1992) [۱۲].

اگر چه نتیجه‌گیری بخش مهمی از مقاله و آخرین فرصت تاثیرگذاری بر خواننده است باید مختصر باشد (Maltha, 1976; Robertson, 1992) [۴ و ۱۲].

در مقاله‌های کوتاه، حتی برخی از مقاله‌های متوسط مناسبتر است از اختصاص بخشی از مقاله به نتیجه‌گیری پرهیز کرد و آخرین جمله مقاله را که بهتر است جمله‌های خوش‌ساخت باشد و حاصل مقاله را به خوبی آشکار می‌سازد، به این کار اختصاص داد (Norman, 1987) [۱۰].

کارکردها و ویژگیهای خلاصه

«خلاصه»^{۴۵} آخرین قسمت هر مقاله، قبل از یادداشتهای آن است. در حالی که نتیجه‌گیری به بازتوضیح یافته‌های تحقیق می‌پردازد، خلاصه، کل محتوای مقاله را بازتولید می‌کند. به همین دلیل اغلب آمیختن نتیجه‌گیری و خلاصه مقاله را توصیه نمی‌کنند (Maltha, 1976) [۴]. خلاصه فشرده کردن کل مقاله است که ایده اصلی موضوع بحث یا درونمایه متن مقاله را دربرمی‌گیرد (Ballenger, 1998) [۸]. خلاصه کم و بیش به روش تنظیم چکیده تهیه می‌شود (Maltha, 1976) [۴]. با این تفاوت که هدف تدوین چکیده آن است که در دسترس سایر پژوهشگران در رشته تخصصی نویسنده و تمام مخاطبان بالقوه در سطح جهان قرار گیرد تا آنان از انتشار مقاله آگاه گردند؛ حال آنکه خلاصه برای مطالعه خوانندگان مقاله پس از اینکه از کم‌وکیف مقاله آگاه شده‌اند فراهم می‌آید تا بتواند تصویری یکپارچه از مقاله را، به صورت فشرده، مرور کند. به همین دلیل است که «چکیده» اغلب لحنی توصیفی دارد، در حالی که «خلاصه» می‌تواند از محتوایی اطلاعاتی نیز برخوردار باشد (همان پیشین). همانگونه که در مورد نتیجه‌گیری گفته شد، مقاله‌های کوتاه نیازی به خلاصه کردن ندارد (Hashimoto, 1982) [۶].

بازنگری

«بازنگری»^{۴۶} مقاله تمام اجزا، ساخت منطقی و استدلالی، ساختار مفهومی و محتوایی آن را دربرمی‌گیرد. در این مرحله هیچ جزیی از مقاله نباید از نظر دور بماند. همه پژوهشگران، حتی آنها که تجربه طولانی در مقاله‌نویسی دارند، اثر خود را بارها بازنگری می‌کنند، و اغلب در هر بار مرور کردن به انجام تغییرات و اصلاحات جزیی یا کلی برانگیخته می‌شوند. تعداد دفعات تجدیدنظر در پیش‌نویس مقاله به تجربه و مهارت نویسنده و حتی محل درج مقاله بستگی دارد. برخی نویسندگان مقالات مجله‌های علمی گاه تا ده بار به تجدید نظر در کار خود می‌پردازند (حری، ۱۳۷۱) [۹]. مناسبترین شیوه برای بازنگری مقاله آن است که پیش‌نویس مقاله را «... مدتی کنار بگذاریم و کاملاً آن را از یاد ببریم و به کاری متفاوت بپردازیم» (همان پیشین) تا چندی بعد که آن را در مقام خواننده مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. «دادن نوشته به شخص (اشخاص) دیگر و تقاضای خواندن آن به روش انتقادی (صلحجو، ۱۳۶۸) [۱] روش دیگری است که می‌تواند ابهام‌ها و پیچیدگیهای متن را که نیازمند اصلاح یا توضیح بیشتر است آشکار گرداند؛ به این طریق نگاههای متفاوت از زوایای متفاوت مقاله را از نظر خواهند گذراند» (همان، پیشین). آشکار است سپردن متن نهایی به ویراستار علمی نویسنده را از نظرها و پیشنهادهای قاطع و قابل اتکاتری بهره‌مند می‌سازد.

در این مرحله باید تمام متن، یعنی هر بند (پاراگراف) آن تا حصول اطمینان از اینکه موضوع و محتوای هر یک، با نظریه مقاله ارتباط کامل و منطقی دارد، بررسی شود و در صورت نیاز به اصلاح یا حذف و اضافه این کار انجام گیرد (Dees, 2000) [۷]. همچنین باید از پیوند منطقی بین بند (پاراگراف)ها و هم در عین حال از استقلال آنها مطمئن شد؛ هم از اینکه متن، بحث را به اندازه کافی پرورده؛ موضوعها و مفاهیم اصلی و کلیدی به میزان مورد نیاز برجسته شده و اصطلاحات پیچیده تنها برحسب ضرورت مورد استفاده قرار گرفته‌اند اطمینان حاصل کرد؛ بالاخره اینکه در هر بند (پاراگراف) به اندازه کافی اطلاعات و مثالهایی که موضوع آن را توضیح دهد وجود دارد (همان پیشین) و عاری از مطالب کلی و گنگ است (حری، ۱۳۷۱) [۹]. حری پیشنهاد می‌کند که هر جمله از نوشته باید با شاهد و دلیل پشتیبانی شود (همان، پیشین).

حری پاسخ به پرسشهای زیر را برای ارزیابی کفایت بازنگری یک اثر به وسیله نویسنده آن توصیه می‌کند:

- آیا تعداد شواهد برای نتیجه‌گیری در هر مورد کافی است؟
- آیا شواهدی که ممکن است از اعتبار تحقیق یا نتیجه‌گیری مقاله بکاهد، حذف شده‌اند؟
- آیا توالی زمانی بین عناصر و پدیده‌ها به جای رابطه علت و معلولی در نظر گرفته نشده است؟
- آیا پیش‌داوریها و گرایشهای شخصی پژوهشگر سبب نشده است که ارتباط جنبه‌های از یک موضوع با سایر جنبه‌ها گسسته شود (همان، پیشین)؟
- یک جزوه درسی [۷] حصول اطمینان از بازنگری مقاله را (هم در مورد سر فصلها و عنوانها و هم در مورد متن) از طریق کنترل موارد زیر مناسب می‌داند:
- آیا مفاهیم یا موضوعهای متناقضی در مقاله وجود ندارد؟
- آیا بحثها در روال منطقی و بهم پیوسته‌های ادامه یافته است؟
- آیا وقفه‌ای در زنجیره استدلالها به چشم نمی‌خورد؟
- آیا هنوز اصطلاحی وجود دارد که به خوبی توضیح داده نشده باشد؟
- آیا هیچ عبارت نامربوط یا جزمی^{۴۷} در مقاله موجود نیست؟

نتیجه‌گیری و مقدمه نوشته در آخرین مرحله مورد بازنگری قرار می‌گیرند، چرا که «مقدمه» باید معرفی کاملی از مقاله‌ی بازنگری شده عرضه نماید. نتیجه‌گیری از نظر محتوا نیز با مقدمه پیوند و شباهت دارد، و باید با محتوای آن سازگار باشد. در این راستا بازخوانی و بازنگری مقدمه از این نظر نیز اهمیت می‌یابد، که مطمئن شویم قادر است علاقه مخاطب را به خواندن مقاله و دنبال کردن بحث و بررسیهای آن برانگیزد؛ بویژه حصول اطمینان از اینکه بیانیه نظریه با وضوح و دقت کافی توضیح داده شده است. باید مطمئن شد که نتیجه‌گیری مقاله نیز به خواندنش می‌ارزد و خواننده را به دنبال کردن آن تا پایان ترغیب می‌کند، و سرانجام اطمینان از اینکه هیچ موضوع جدید و بدون ارتباط با بحث اصلی در آن وارد نشده است (Dees, 2000) [۷].

بازنویسی

بازنگری و بازنویسی^{۴۸} مقاله با هم پیوند دارند. منتها در بازنویسی بیشتر «شیوه تنظیم متن بحث و بررسی (بدنه) مقاله» و «طرز نوشتن (نگارش) آن» مورد بازبینی قرار می‌گیرد، در حالی که بازنگری اندیشیدن دیگر بار به متن است در راستای استحکام و وضوح بیشتر آن؛ بازنویسی از تغییر برخی کلمات و واژه‌ها و اصطلاحها گرفته تا تغییر عمده در متن از جمله طرز نوشتن مقاله را ممکن است دربرگیرد. یک متن ممکن است به تجدیدنظرهای متعدد و در مواردی به تجدیدنظر در کل آن نیاز پیدا کند (همان، پیشین). همان‌گونه که در مبحث «بازنگری» مطرح شد، روش موثرتر برای بازنویسی متن آن است که چندی آن را کنار گذاشت و پس از چندی نگاهی تازه به آن انداخت و در مورد اصلاح اشکالات و ابهام‌های آن اقدام نمود. به همین ترتیب توصیه می‌شود متن به بررسی دیگران نیز سپرده شود که نگاهی متفاوت بر آن بیفکنند؛ بویژه به ویراستار ادبی که به ابهام‌ها و نارساییهایی توجه می‌یابد که ممکن است به آسانی از نظر نویسنده دور بماند؛ افزون بر این، متن را روانتر و خواندنیتر می‌سازد. در مرحله بازنویسی باید هر نکته نامربوط و نامناسب با دقت

و جدیت حذف گردد تا آنکه اطمینان حاصل شود که نوشته بحث را به روانی از موضوعی به موضوعی دیگر پیش می‌برد (Norman, 1987) [۱۰].

در این مرحله تمام بند (پاراگراف)ها باید یک به یک خوانده شود تا اطمینان حاصل شود که بندها بیش از اندازه فشرده و مختصر یا بیش از حد طولانی نیستند و در صورت وجود چنین کاستیهایی نسبت به تفکیک یا ادغام آنها با بند (پاراگراف)های پس‌و‌پیش از آن اقدام نمود (Dees, 2000) [۷]. باید مطمئن شد همه بندها، دارای جمله اصلی (موصوف در بخش سوم) است، طول جمله‌ها کوتاه و از کلمات ساده استفاده شده است (حری، ۱۳۷۱) [۹] و سرانجام اینکه مقاله به روانی و آسانی قابل مطالعه است. بدین منظور توصیه می‌شود مقاله یکبار با صدای بلند خوانده شود تا نارساییهای نوشتاری آن آشکار گردد [۷]. در صورتی که برخی واژه‌ها به دفعات در مقاله تکرار شده باید واژه‌های متفاوت هم‌معنی در جهت پیشگیری از ملال خواننده جایگزین آنها نمود. مقاله را باید بارها خواند و تصحیح کرد تا از نبود اشکالات جزئی و تحریر نادرست کلمات و مانند آن اطمینان حاصل نمود (Dees, 2000) [۷]. اصلاح اشتباهات چاپی آخرین مرحله بازنویسی مقاله است.

مختصر یا بیش از حد طولانی نیستند و در صورت وجود چنین کاستیهایی نسبت به تفکیک یا ادغام آنها با بند (پاراگراف)های پس‌و‌پیش از آن اقدام نمود (Dees, 2000) [۷]. باید مطمئن شد همه بندها، دارای جمله اصلی (موصوف در بخش سوم) است، طول جمله‌ها کوتاه و از کلمات ساده استفاده شده است (حری، ۱۳۷۱) [۹] و سرانجام اینکه مقاله به روانی و آسانی قابل مطالعه است. بدین منظور توصیه می‌شود مقاله یکبار با صدای بلند خوانده شود تا نارساییهای نوشتاری آن آشکار گردد [۷]. در صورتی که برخی واژه‌ها به دفعات در مقاله تکرار شده باید واژه‌های متفاوت هم‌معنی در جهت پیشگیری از ملال خواننده جایگزین آنها نمود. مقاله را باید بارها خواند و تصحیح کرد تا از نبود اشکالات جزئی و تحریر نادرست کلمات و مانند آن اطمینان حاصل نمود (Dees, 2000) [۷]. اصلاح اشتباهات چاپی آخرین مرحله بازنویسی مقاله است.

پانوشته‌ها:

۱- موضوع این مقاله در زمره علائق پیوسته مطالعاتی و تجربی نگارنده نیست. انگیزه عرضه آن مشارکت با دیگران در مستند ساختن تجربه مقاله نویسی است، از طریق در میان نهادن یافته‌هایی که نگارنده در این زمینه از راه تجربه یا مطالعه، به مرور به آن دست یافته است.

۲- از میان بربرهای متعددی که برای <Thesis> وضع و بکاربرده شده است، «نظریه» را برگزیده ایم. درحالی‌که به استناد فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، گردآوری و تدوین برنجیان، ماری (از انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی) معادل‌های دیگری مانند «برنهاده» را شیروانلو، فیروز در ضرورت هنر (۱۳۵۰) «وضع» یا «نهاد» را عنایت، حمید در فلسفه هگل (۱۳۲۷) «اصل» را زرباب خوبی، عباس در تاریخ فلسفه (۱۳۳۶) «نهاد» را بزرگمهر، منوچهر در کانت (۱۳۶۰) «قضیه اصل» را فولادوند، عزت‌اله در فلسفه کانت (۱۳۶۷)، «نظر» را آشوری، داریوش در فرهنگ علوم انسانی (۱۳۷۴) و برهان منش، محمد در اقتصاد آموزش (۱۳۵۱) بکار برده‌اند. در عین حال دیگران «نظریه» را در برابر <Theory> هم قرار داده‌اند (آریانپور، امیرحسین در زمینه جامعه‌شناسی، دریابندری، نجف در فلسفه غرب، آذرنگ، عبدالحسین در فلسفه غرو... و رواج نسبی یافته است که برخی از افراد این گروه در مواردی هم «نظریه» را در برابر <Thesis> بکار برده‌اند از جمله، دریابندری، نجف در فلسفه غرب. البته وجود این تفاوتها در اغلب موارد دلایل روش شناختی دارد و معطوف است به موضوع علائق مطالعاتی پژوهشگران نامبرده. منبع مورد استناد ما در این مقاله برای برگزیدن «نظریه» به‌عنوان

معادل برای <Thesis> فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی- فارسی تالیف علی محمد حق شناس و دیگران (از انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۰) است که فرهنگی است متاخر، عمومی و مولف آن زبانشناس و فرهنگ‌نویس است.

3- Idea

۴- <Tone> معادل «نواخت» نیز، همپای «لحن» در برابر <Tone> به کار رفته است. ما لحن را واژه ای آشنا و ملموس تر یافته‌ایم.

5- Michel Eyquem de Montaigne (1533-92), Essais

6- Francis Bacon (1561-1626)

۷- برگرفته از يك رهنمود آموزشی دانشگاهی: Essay on How to Write an Essay

۸- در کتاب Crows, F., The Rondon House Handbook, 2nd ed., New York, Random, 1977

۹- «رساله» را بنابه توضیحاتی که در مقاله عرضه کرده ایم، هم معنای «مقاله» گرفته‌ایم. اگر سهوی در این زمینه مرتکب شده ایم، مسئولیت آن را می‌پذیریم.

10- Descriptive

11- Narrative

12- Expository

13- Argumentative

۱۴- <Truth>، تقریباً با تقدم نسبی اغلب «حقیقت» را در برابر <Truth> پیشنهاد کرده‌اند. در حالیکه در اغلب موارد در متونی که نزدیکی بیشتری با بحث این مقاله دارد، به‌طور معمول «حقیقت» را با «واقعیت» همسان در نظر گرفته‌اند.

15- Suggestive

16- Objective

17- Intuitive

18- Impulsive

19- Documentary

20- Completeness

21- Essentiality

22- Impersonal

23- Title

24- Abstract

25- Introduction

26- Method

27- Result

28- Discussion

29- Standard Format

30- Introductory Statement

31- Body

32- The Beginning

33- The Middle

- 34- The End
- 35- Document Systems
- 36- Thesaurus
- 37- Index
- 38- Thesis Statement
- 39- Theoretical
- 40- Theorizing
- 41- Conclusion
- 42- Conclusion/Ending
- 43- Intuitive
- 44- Thesis Statement
- 45- Summary
- 46- Revision/Editing
- 47- Dogmatic
- 48- Rewriting

منابع :

- صلحجو، علی، پژوهش و نگارش، راهنمای نوشتن مقاله، رساله و کتاب تحقیقی، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۸
- قائد، محمد، دفترچه خاطرات و فراموشی و مقالات دیگر، دیباچه به قلم بابک احمدی، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰، صص ۷-۱۶
- Gibaldi, J., *MLA Handbook for Writers of Research Papers*, 6th ed., The Modern Language Association of America (MLAA), New York, 2003
- Maltha, D.J., *Technical Literature Search and the Written Report*, Pitman Publishing, London, 1976
- *Essay on How to Write an Essay, A Course Guideline for Sociology*, Carleton University, Ottawa, 1999
- Hashimoto, I.Y., Kroll, B. M. and Schafer, J. C., *Strategies for Academic Writing: A Guide for College Students*, Ann Arbor, The University of Michigan Press, 1982
- Dees, R., *Writing The Modern Research Paper*, 3th ed., Allyn and Bacon, USA, 2000
- Ballenger, B., *The Curious Researcher: A Guide to Writing Research Papers*, 2nd ed., Allyn and Bacon, USA, 1998
- حری، عباس، آیین گزارش نویسی، تهران، دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۷۱
- Norman, C., *Writing Essays: A Short Guide*, 2nd. Ed., Department of English Queen's University at Kingston, Ontario, 1987
- Lester, J.D., *Writing Research Papers: A Complete Guide*, Longman, USA, 1998b
- Robertson, H., *English Essay: A Guide to Essays and Papers*, McGraw-Hill Ryerson Limited, Canada, 1992
- *Graduate Guidelines for Sociology (Based on OCGR Revisions)*, Prepared by Wallace Clement, Graduate Co-ordinator for Sociology, Carleton University, Ottawa, June 199